



۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی

محسن قرائتی

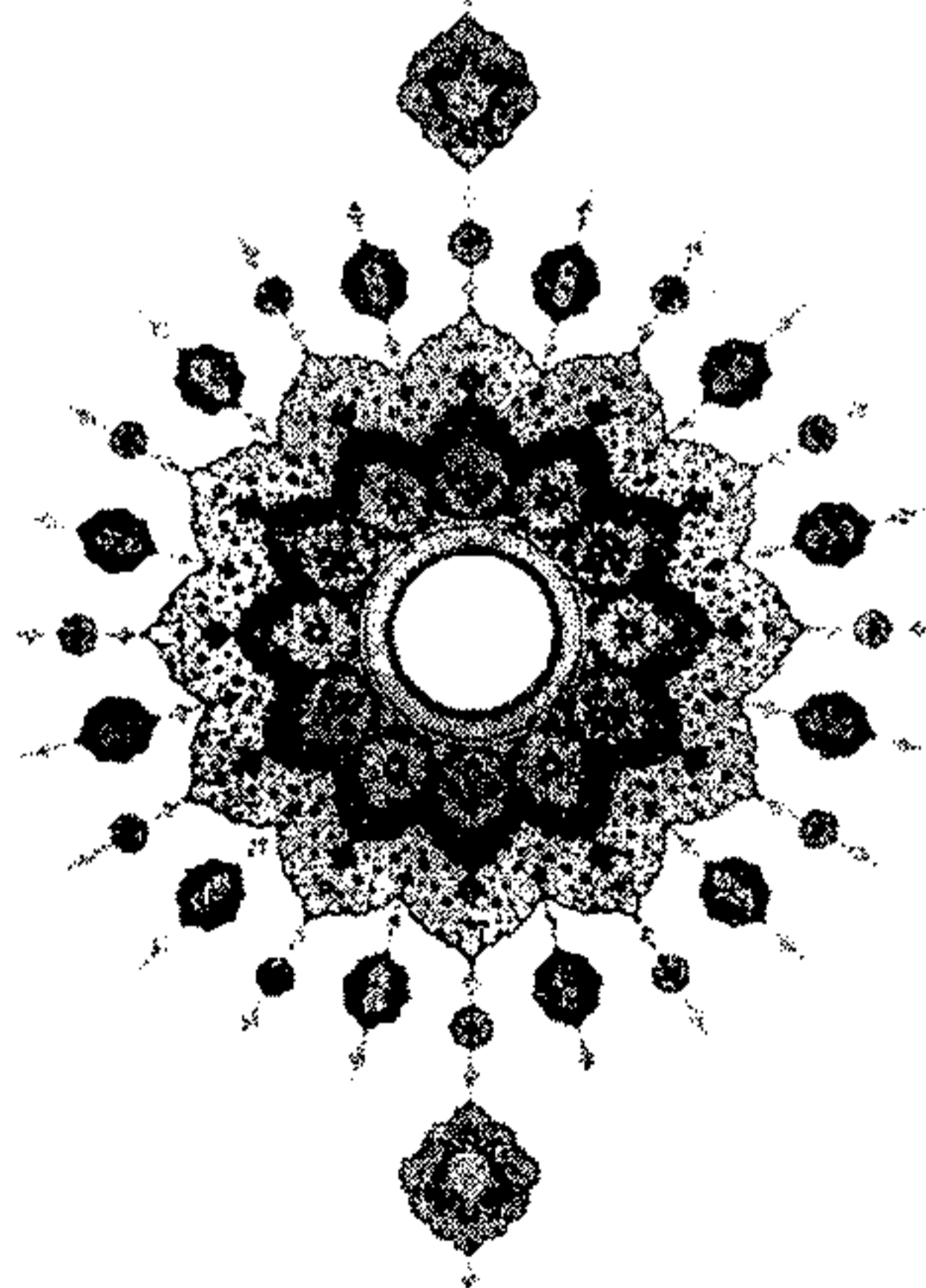
به کوشش سید مجتبی معنوی

جهت‌نما

(۴۰ پرسش و پاسخ مہدوک)

□ مؤلف: محسن قرائتی

□ بہ کوشش: سیدمجتبیٰ معنوی



سرشناسه	: قرآنی، محسن، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: جهت‌نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی) / مولف: محسن قرآنی؛ به کوشش سیدمجتبی معنوی؛ [برای] حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی امامت و مهدویت.
مشخصات نشر	: قم: موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۹.
موضوع	: مهدویت - پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع	: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - پرسش‌ها و پاسخ‌ها
شناسه افزوده	: معنوی، سیدمجتبی، ۱۳۵۶ - ، گردآورنده
شناسه افزوده	: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲/۲۲۲/۲BP ق/۳۶ ج ۹
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۷۸۸۵۰



جهت‌نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی)

- مؤلف: محسن قرآنی
- به کوشش: سیدمجتبی معنوی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
- نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۲
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۲-۵
- شمارگان: دو هزار نسخه
- قیمت: ۳۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / ص. پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / (فروش) ۳۷۸۴۱۱۳۰ / (مدیریت) ۳۷۸۴۱۱۳۱ / فاکس: ۳۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

○ www.mahdi۳۱۳.com
 ○ www.mahdaviat.ir
 ○ info@mahdaviat.ir

با قدردانی و تشکر از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فزادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، فاطمه اکبری (ویراستار)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد)، رضا فریدی (صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
 حسین احمدی



فهرست مطالب

- مقدمه ۹
۱. اعتقاد به موعود در ادیان چگونه مطرح شده است؟ ۱۵
۲. چرا امام زمان غایب شد؟ ۱۶
۳. چگونه ممکن است انسانی مانند اما زمان عجل الله فرجه عمر چند صدساله و یا چند هزار ساله داشته باشد؟ ۱۷
۴. برنامه حکومتی حضرت مهدی عجل الله فرجه چیست؟ ۲۱
۵. در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه حاکم اسلامی از کدام گروه مسلمین خواهد بود؟ ۲۵
۶. با توجه به این که بخشی از شرایط ظهور در حال حاضر محقق نشده است، چگونه می توان همچنان منتظر بود؟ ۲۷
۷. آیا این مطلب درست است که اگر دنیا پر از ظلم شود؛ امام زمان زودتر ظهور می کند؟ ۳۲
۸. حضور و آمادگی چه تعدادی از یاران امام زمان عجل الله فرجه برای قیام وی کفایت می کند؟ ۳۴
۹. چگونه امام زمان عجل الله فرجه می تواند حکومت واحدی تشکیل دهد و همه مکاتب و ادیان را گرد هم آورد؟ ۴۵
۱۰. امام زمان عجل الله فرجه چه زمانی ظهور می کند؟ ۴۹

۱۱. آیا ممکن است امام زمان علیه السلام در عصر غیبت دیده شود؟ ۵۰
۱۲. وظیفه منتظران در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ۵۲
۱۳. آیا توصیه به رفتن به مسجد جمکران سند معتبری دارد؟ ۶۲
۱۴. معنای انتظار چیست؟ ۶۴
۱۵. آیا تطبیق‌هایی که در عرصه مهدویت انجام می‌شود، صحیح است؟ ۶۵
۱۶. آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزند دارد؟ ۶۹
۱۷. توجه امام زمان علیه السلام به دوست داران خود چگونه است؟ ۷۲
۱۸. معنای این حدیث که می‌فرماید: «لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛ اگر حجت خدا نباشد، هر آینه زمین اهلش را فرو می‌برد» چیست؟ ۷۵
۱۹. آیا صدقه دادن و هدایای مادی و معنوی برای امامان به خصوص حضرت مهدی علیه السلام اثری دارد؟ ۷۷
۲۰. منتظران ظهور امام زمان علیه السلام چگونه می‌توانند او را یاری کنند؟ ۸۰
۲۱. چگونه ممکن است امام زمان در کودکی رهبر مسلمانان جهان شود؟ ۸۴
۲۲. آیا الگوی حکومت حضرت مهدی و افراد آن قبل از ظهور تحقق می‌یابد؟ ۸۶
۲۳. اگر بخواهیم خود را برای نظام مهدوی آماده کنیم، باید چه نگاهی داشته باشیم؟ ۸۹
۲۴. چگونه می‌توان وعده حکومت جهانی را باور و تقویت نمود؟ ۹۲
۲۵. چگونه می‌توان فهمید که ما جزء یاران آن حضرت هستیم؟ ۹۴
۲۶. چگونه روحیه انتظار را در خود تقویت کنیم؟ ۹۶
۲۷. رابطه شب قدر و حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ۹۸
۲۸. چرا هنگامی که نام امام زمان برده می‌شود، قیام می‌کنیم؟ ۱۰۰

۲۹. امام عصر علیه السلام با حضور در یک منطقه چگونه هدایت کل بشر را در دنیا انجام می دهد؟ ۱۰۲
۳۰. آیا در زمان حکومت امام عصر علیه السلام به هیچ وجه ظلم و ستم نخواهد بود و انحرافی صورت نخواهد گرفت؟ ۱۰۴
۳۱. چرا در عصر غیبت باید به ولی فقیه مراجعه کرد؟ ۱۰۵
۳۲. ویژگی‌های حکومت امام زمان چیست؟ ۱۰۹
۳۳. ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام چیست؟ ۱۱۴
۳۴. چه عواملی موجب ظهور امام زمان می شود؟ ۱۱۶
۳۵. منظور از ملاقات امام در حج چیست؟ ۱۱۸
۳۶. امام زمان چگونه ناظر اعمال ماست؟ ۱۲۰
۳۷. شرایط ظهور امام زمان چیست؟ ۱۲۲
۳۸. وقتی امام زمان بیاید، چه اتفاقی روی خواهد داد؟ ۱۲۵
۳۹. رضایت امام زمان از چه راهی به دست می آید؟ ۱۲۷
۴۰. امام زمان در بقای هستی چه نقشی دارد؟ ۱۳۱
- منابع و مأخذ ۱۳۹

مقدمه

جایگاه امامت همچون نبوت است. به همان دلیلی که به انبیا نیاز داریم، به امامان معصوم هم نیازمندیم. دلیل نیازمندی بشر به رهبر معصوم (چه پیامبر و چه امام) ضعف عقل و علم انسان است. اگر عقل انسان کامل بود، هیچ کس در عمرش بارها پشیمان نمی‌شد و اگر تشخیص انسان صحیح بود، هیچ طلاق‌ی صورت نمی‌گرفت. صدها میلیون پشیمانی و طلاق نشان دهنده آن است که عقل و تشخیص انسان کامل نیست و همه چیز را نمی‌تواند به خوبی تشخیص دهد. عقل انسان مثل ترازوی طلا فروشان است که چیزهای جزئی و سبک را می‌توان با آن وزن کرد ولی در بسیاری از موارد آن ترازوها در سنجش وزن اجسام توانایی لازم را ندارند؛ از این رو کسی می‌تواند قانون صحیحی وضع کند که گذشته و آینده را بداند. تمام مصالح و مفاسد را بشناسد، تحت تأثیر هیچ فشار و جریان سیاسی، اجتماعی و روانی قرار نگیرد و از بازتاب مثبت و منفی قانون در حال یا آینده آگاه باشد. به عبارت دیگر علم غیب داشته باشد و افزون بر آن نسبت به انسان‌ها خیرخواه و مهربان باشد؛ هیچ سود و زیانی برای خودش در نظر نگرفته باشد و هیچ قدرتی بر او اثر نگذارد. چنین قانون‌گذاری فقط خداوند متعال است که بشر را به وسیله رهبر معصوم هدایت می‌کند. خدای حکیم هرگز انسان

را بدون قانون و رهبر رها نمی‌کند؛ قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ لِيَجْعَلُوهُ قُرْآنًا يَّبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ﴾؛ خداوند را آن‌گونه که شایسته اوست، نشناختند؛ چرا که گفتند: «خداوند بر هیچ بشری، چیزی نازل نکرده است.» بگو: «کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود، چه کسی نازل کرد؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده [و به دلخواه خود] بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می‌سازید و آنچه را شما و پدران‌تان نمی‌دانستید [از طریق همان کتاب آسمانی تورات،] به شما آموخته شد.» [ای پیامبر!] بگو: «خدا» [بود که آن‌ها را نازل کرد]، پس ایشان را رها کن تا در گفتار باطل خود سرگرم باشند.

از یک سو فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی، لطفی از سوی خداوند به بندگان است. کسانی که آنان را انکار می‌کنند، در واقع منکر لطف، رحمت و حکمت الهی‌اند.

آری! داشتن توحید کامل نیازمند این باور است که خداوند هرگز بشر را به حال خود رها نکرده و برای هدایت آن‌ها پیامبرانی را فرستاده است.

از سوی دیگر، نبوت زمانی کامل می‌شود که پیامبر گرامی اسلام ﷺ پس از خود، یک انسان کامل را رهبر مردم قرار دهد، در غیر این صورت

نبوتش کامل نیست. معنای ﴿الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾؛ این است که امروز، با معرفی علی بن ابیطالب علیه السلام در غدیر خم، دین کامل شد و اگر این معرفی صورت نگیرد، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، تلاش آن حضرت بدون نتیجه خواهد ماند: ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾.^۱

از سویی دیگر، امامت کامل زمانی محقق می‌شود که رهبری امت، آن‌گونه که شایسته است، حاصل شود و به همین دلیل لازم است که ظهور حضرت مهدی علیه السلام مورد توجه قرار گیرد؛ در غیر این صورت برای امامی که به تعبیر خودش خار در چشم و استخوان در گلو دارد و حقش را دیگران برده‌اند؛^۲ امکان رهبری وجود ندارد. ناله‌های حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به قدری جانسوز است که گاهی به صورت خود سیلی می‌زند و مردم را نفرین نموده و آنان را لاشه‌های بی‌روح و نامردان انسان‌نما معرفی می‌کنید؛ آنگاه که می‌فرماید: «یا اشباه الرجال و لا رجال و یا اشباح بلا ارواح».^۳

اکنون نقش و جایگاه امام زمان علیه السلام با توجه به این جملات بهتر تبیین می‌شود که اولاً توحید کامل به وجود نبوت نیازمند است و گرنه قدر خدا شناخته نخواهد داشت؛ ثانیاً نبوت کامل به امامت مشروط است و گرنه دین کاملی نخواهیم داشت و ثالثاً امامت کامل به ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱. مائده، ۶۷.

۲. نهج‌البلاغه، ص ۴۸.

۳. همان، ص ۷۰.

وابسته است؛ بنابراین مهدی و ظهور او عصارهٔ همهٔ برنامه‌ها خواهد بود. به عبارتی دیگر هسته مرکزی هدایت بشر در طول تاریخ، حضرت مهدی علیه السلام است. اوست که مکتب اصیل اسلام را از غبار بدعت‌ها و زنگار خرافات، هوس‌ها و سلیقه‌ها پاک می‌کند.

هدایت جامعه با تفسیر درست و متحد کردن مردم زیر پرچم بندگان صالح صورت می‌گیرد؛ چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛^۱ «و همانا در [کتاب آسمانی] زبور [که] بعد از ذکر، [تورات، نازل شده است] نوشتیم که قطع به یقین بندگان صالح وارث زمین خواهند شد».

در زمره بندگان صالح و نیکوکار هیچ‌گونه امتیاز و تفاوت قومی، نژادی، منطقه‌ای و جنسیتی وجود ندارد و هدف از این برنامه، یعنی وراثت زمین و برنامه هدایت و رشد دادن بندگان، از بین بردن طاغوت و عملی کردن وعده‌های الهی می‌باشد؛ در نتیجه حضرت مهدی علیه السلام که آخرین امام است، همهٔ مردم را تحت شعار «عبادی الصالحون»^۲ به شکلی متحد و هدفمند هدایت می‌کند و قرآن را از مهجوریت و اهل بیت: را از مظلومیت رهایی می‌بخشد.

ظهور امام زمان علیه السلام پدیده حقی است که با قدرت و عزت بر باطل چیره می‌شود و باطل را نابود می‌کند: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا

۱. انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

۲. همان.

هُوَ زَاهِقٌ»^۱؛ «حقّ باطل را آن‌گونه می‌کوبد که هسته مرکزی و مغز متفکر آن را در هم شکند پس، بی‌درنگ، باطل محو و نابود می‌شود».

شایان ذکر است تحقق وعده‌های الهی به معنای مرفه بودن مسلمین و راحت بودن مطلق آنها نیست؛ زیرا با وجود غلبه حق بر باطل و یاری ویژه‌ای که خداوند نسبت به پیامبرانش دارد، باز هم مسلمانان گرفتاری‌ها، تلخی‌ها، شکنجه‌ها، محدودیت‌ها و تهمت‌ها را تحمل نمودند؛ بنابراین نباید تصور شود ظهور حضرت مهدی علیه السلام به معنای رسیدن به حکومت دینی، بدون رنج است؛ همان‌گونه که هیچ مادری امید به فرزند دار شدن را بدون درد زایمان تصور نمی‌کند. آری! امید به فرزند و فرزند دار شدن، قطعی و منطقی است؛ ولی همراه با درد زایمان. امید به ظهور حضرت مهدی علیه السلام قطعی و خوشایند است؛ ولی با آمادگی ویژه و مشکلاتی که باید خود را برای آن آماده کرد. چنانچه حضرت موسی بر فرعون پیروز شد؛ ولی باز هم مشکلات زیادی را پیش‌رو داشت.

در فتح مکه، خداوند متعال بنده و رسول خود را یاری کرد: «انجز وعده و نصر عبده»^۲؛ اما این پیروزی نیز بدون مشکلات نبود.

اگر خداوند متعال هستی را برای بشر بیافریند و بشر را برای قرب و عبادت خودش خلق کند ولی دست او را در دست غیر معصوم بگذارد، ظلم به بشر و همه مخلوقات کرده است و این کاری خلاف حکمت است که بدون

۱. همان، ۱۸.

۲. اعلام الوری با علام الهدی، ص ۱۱۱.

شک از خدای حکیم، کار بی‌هوده و نعوذ بالله ظلم و ستم سر نمی‌زند. کدام حکیم و کدام عقل سلیمی اجازه می‌دهد که تمام همت نظام آموزش و پرورش، تحصیل فرزندان ما باشد؛ ولی در عمل، دست فرزندانمان در دست معلم ناهل قرار گیرد؟!

بدیهی است واگذار نمودن هدایت جامعه به انسان غیر معصوم ظلم به بشر و بر خلاف حکمت، عقلانیت و خرد ورزی است. در این میان طبیعی است که برای رهپویان حقیقت و جستجوگران راه هدایت در جهت شناخت امام زمان سؤالاتی مطرح گردد که در این مجموعه تلاش خواهد شد به تعدادی از آنها پاسخ داده شود.

۱. اعتقاد به موعود در ادیان چگونه مطرح شده است؟

در کتاب‌های مهم اعتقادی و حتی در کتاب‌های مذاهب غیر اسلامی، از جمله منابع آئین بودا و یهود، این نکته بیان شده است که در آینده باید نجات دهنده‌ای دنیا را نجات دهد. آری؛ دنیا مریض است. آیا می‌توانیم با اطمینان بگوییم که اگر در جامعه‌ای تحصیلات اگر رشد می‌کند، کمالات این هم پیشرفت خواهد کرد؟ در پاسخ باید گفت بدون شک رشد علمی جامعه نشانگر کمال انسانی آن نخواهد بود.

دنیا در جهل و تاریکی می‌سوزد. همه دین‌ها معتقدند باید نجات دهنده‌ای برای گسترش عدالت بیاید. به همین جهت در زیارت امام زمان علیه السلام این گونه می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيَّ مَهْدِيَّ الْأُمَّمِ»؛^۱ «سلام بر تو ای امامی که هدایتگر همه امت‌ها هستی»؛ نه فقط مسلمان‌ها بلکه همه امت‌ها؛ البته در ادیان مختلف نامی از آن حضرت برده نشده است؛ ولی همه آن‌ها می‌گویند: باید نجات دهنده‌ای ظهور کند و برای نجات انسان‌ها قیام نماید. درباره امام زمان علیه السلام حتی قبل از تولد او کتاب‌های زیادی نوشته شده و مسأله ولادت و امامت او در آنها مطرح شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

۲. چرا امام زمان غایب شد؟

این مسأله را با یک مثال توضیح می‌دهم: اگر مسئولان اداره برق در منطقه‌ای لامپی را نصب کردند؛ ولی مردم آن را شکستند و مسئولان لامپ دوم و سوم تا یازدهم را نصب کنند؛ ولی باز هم مردم تمام یازده لامپ را در چند مرحله بشکنند؛ این کار آن‌ها نشان می‌دهد که قدر نور را نمی‌دانند؛ بنابراین باید با سعی و تلاش خود نوری کم؛ ولی با هزینه‌ای سنگین تهیه کنند تا شاید ارزش واقعی برق پی ببرند. ماجرای امام زمان نیز هم این‌گونه است. خداوند برای مردم یازده چراغ هدایت و امام معصوم معین کرد و احادیث فراوان از زبان مبارک پیامبر، نام و مشخصات آن‌ها را بیان نمود؛ ولی تمام یازده امام را یا با زهر یا با شمشیر به شهادت رساندند. خداوند نیز دوازدهمین چراغ هدایت را در پس پرده غیب نگاه داشت تا زمانی که جامعه، انواع حکومت‌ها را تجربه کند و به این باور برسد که هیچ گروهی با شعارها و انواع سیاست‌های گوناگون، توان ایجاد و گسترش عدالت واقعی را ندارد و در نتیجه مردم آن چنان به ستوه آیند که تشنه واقعی برقراری عدالت و عاشق مردی الهی بشوند تا با رهبری او، همه باطل‌ها و مستکبرین از بین بروند و بندگان صالح خدا به قدرت برسند. آری؛ درک حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه و گسترش عدالت نیازمند زمینه‌سازی است.

۳. چگونه ممکن است انسانی مانند امام زمان علیه السلام عمر چند صدساله و یا چند هزار ساله داشته باشد؟

در پاسخ می‌توان گفت عمر مثل حرکت است. حرکت هم روند تند و هم روند کند دارد. حرکت کند مثل حرکت رشد موی بدن، که در یک ماه حدود یک سانتی‌متر حرکت می‌کند. ممکن است حرکت نکند، مثل موی مژه و ابرو که ده‌ها سال بدون حرکت و در واقع بدون رشد باقی می‌ماند. گاهی نیز حرکت به قدری تند است که نمی‌توان آن را اندازه‌گیری کرد و یا مثل حرکت نور بسیار سریع است، وی می‌دانیم که هیچ دلیل علمی و عقلی برای محدود کردن حرکت وجود ندارد.

در بعضی از منابع، کتاب‌های تاریخی و حتی آیات و روایات از عمرهای طولانی خبر می‌دهند. قرآن می‌فرماید: «حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال به تبلیغ مشغول بود.»^۱ در آیه ۲۵۹، سوره بقره نیز آمده است که یکی از اولیای خدا، معروف به حضرت عزیر، در حالی که سوار الاغی بود، از روستای ویرانه‌ای، عبور می‌کرد. از خدا پرسید که چگونه صاحبان این خانه‌ها که سال‌هاست

مرده‌اند، دوباره زنده خواهند شد: «أني يحيي هذه الله بعد موتها؟!» خداوند متعال برای آن که مسأله را به صورت تجربی برای او روشن کند، او را صد سال میراند: «فأماته الله مائة عام» سپس او را زنده کرد: «ثم بعثه» و از او پرسید: «چه مدت است که در این جا هستی؟»: «قال كم لبثت؟» گفت: «روزی یا بخشی از روزی»: «قال لبثت يوماً او بعض يوم.» خداوند متعال فرمود: «نه؛ تو صد سال است که مرده ای»: «قال بل لبثت مائة عام» اکنون به الاغت نگاه کن که چگونه استخوان‌های او را سر پا می‌کنیم و نیز به غذا و نوشیدنی خود بنگر که هیچ تغییر نکرده است! «غذا اگر در جایی مثل یخچال و سردخانه نباشد، پس از یک هفته تغییر می‌کند. صد سال چند هفته است؟ وقتی یک سال ۵۲ هفته است، پس صد سال ۵۲۰۰ هفته می‌شود؛ بنابراین، خداوند متعال غذای این بنده را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی سالم نگه داشت، در حالی که عمر امام علیه السلام از آغاز تولد تاکنون، حتی بیش از بیست برابر عمر طبیعی نبوده است. خداوند متعال با این آیه قدرت خود را نشان می‌دهد که ما می‌توانیم صدها و هزارها برابر عمر طبیعی چیزی را نگه داریم. این معجزه می‌تواند دربارهٔ عمر امام علیه السلام هم اتفاق بیفتد. همچنین از این آیه اهمیت علم تجربی فهمیده می‌شود؛ بر این اساس که علم تجربی به قدری ارزش دارد که یک پیامبر، باید صد سال بمیرد تا چیزی را با حس درک کند. همچنین از این آیه استفاده می‌شود که زنده شدن مرده مخصوص قیامت نیست؛ بلکه در همین دنیا نمونه‌هایی از زنده

شدن بعضی مردگان وجود دارد که به اصطلاح آن را «رجعت» می‌گویند. مردگانی که با معجزه حضرت عیسی علیه السلام زنده شدند، از این نمونه اند و نیز مرده‌ای که در آیه مورد بحث به آن اشاره شد.

همچنین از این آیه استفاده می‌شود که اگر ریشه سؤال عناد و لجاجت نباشد، می‌تواند گامی به سمت رشد و تکامل انسان باشد.

از نمونه‌های دیگر قرآنی

طولانی بودن عمر انسان در داستان حضرت یونس در سوره صافات آیات ۱۳۹ تا ۱۴۴ است. در مضمون این آیات می‌خوانیم که همانا یونس از فرستادگان است. آن‌گاه که از قوم خود فرار کرد و به سوی کشتی پر از بار و مسافر شتافت. ناگهان کشتی به خطر افتاد و قرار بر این شد تا بر اساس قرعه، افرادی به دریا افکنده شوند. پس، یونس با مسافران کشتی قرعه انداخت و از بازندگان شد و او را به دریا افکندند و در این حال ماهی بزرگی او را بلعید. او خود را سرزنش کرد و در شکم ماهی به تسبیح خداوند پرداخت و اگر از تسبیح گویان نبود، تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند ﴿لَلْبِثُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾. از این آیه معلوم می‌شود که زنده ماندن تا روز قیامت امکان دارد.

همچنین درباره‌ی عمر طولانی می‌توان به این نمونه قرآنی اشاره کرد که ابلیس از خداوند متعال خواست تا روز قیامت به او مهلت بدهد: ﴿قَالَ رَبِّ

فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ^۱ خداوند متعال او را تا زمان بسیار طولانی عمر داد: ﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۲.

۱. ص (۳۸)، ۷۹.

۲. همان، ۸۰ و ۸۱.

۴. برنامه حکومتی حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

قرآن سیمای آینده جهان را «حاکمیت صالحان» می‌داند: ﴿أَنْ الْأَرْضِ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.^۱

در آیات دیگر نیز افراد صالح را با وصف متقین معرفی می‌کند: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾.^۲

در آیه دیگر، وعده خلافت را به کسانی داده که اهل ایمان و عمل صالح هستند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾.^۳

از مجموع این آیات استفاده می‌شود که مدیریت آینده جهان مربوط به کسانی است که پرهیزکار، اهل ایمان و عمل صالح باشند. البته معنای ایمان، عمل صالح و تقوا روشن است؛ اما صلاحیت برای مدیریت زمین که خداوند در آیه ﴿يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ از آن سخن می‌گوید؛ شاید نیازمند توضیح باشد و آن این است که چه نوع صلاحیتی شرط حاکمیت است؟

۱. انبیاء (۲)، ۱۰۵.

۲. اعراف (۷)، ۱۲۸.

۳. نور (۲۴)، ۵۵.

صلاحیت روحی، سعه صدر، صلاحیت علمی، فکری، فرهنگی، بصیرتی، تدبیر، خلاقیت، صلاحیت مقاومت، صلابت، شجاعت، صلاحیت برنامه ریزی و پیش بینی‌های لازم، صلاحیت سابقه، خانواده و یاران و هر نوع صلاحیت دیگر را حاکم الهی برای میلیاردها انسان لازم دارد.

در قرآن می‌خوانیم: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱؛ «حاکمان زمین بندگان صالح خداوند متعال هستند» و همه امت باید در طول تاریخ بر آن‌ها سلام کنند: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» و ما با این سلام، با حاکمان الهی آینده، پیوند برقرار می‌کنیم. افراد زیادی هستند که در عبادت‌های فردی، کمالات و امتیازات بالایی دارند ولی در مدیریت اجتماعی صلاحیت رهبری ندارند؛ مثلاً ابوذر یکی از یاران با وفای پیامبر و امیر المؤمنین علیه السلام بود که رسول خدا درباره وی ابوذر فرمود: «درختی بر انسانی راست‌گوتر از ابی ذر سایه نیفکنده است.»^۲

قَالَ عليه السلام: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ... ذَا لَهْجَةٍ أَصْدَقَ مِنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ».

همین ابوذر با برخورد انقلابی و صراحت لهجه، پایه‌های حکومت عثمان و معاویه را لرزاند. تا آن‌جا که این صحابی کبیر را به ربه تبعید کردند و در همان‌جا غریبانه کنار دخترش جان داد؛ اما پیامبر خطاب به او فرمود: «يَا بَا ذَرٍّ إِنِّي أَحِبُّ لَكَ مَا أَحِبُّ لِنَفْسِي. إِنِّي أَرَاكَ ضَعِيفًا فَلَا

۱. انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۲۱.

تَأْمُرَنَّ عَلَيَّ اثْنَيْنِ وَ لَأُتَوَّلِيَنَّ مَالَ يَتِيمٍ.»^۱ «ای اباذرا! من هرچه برای خودم می‌خواهم برای تو هم می‌خواهم و تو را دوست دارم؛ لکن در تو ضعفی است که نباید مسئولیت دو نفر را بپذیری و مال یتیم را نباید متولی شوی.»

یک خاطره

پس از رحلت یکی از مراجع بزرگ تقلید سخن از این بود که مرجع بعدی چه کسی باشد. در انتخاب مرجعیت بیش‌تر به مسأله اعلم بودن و پرهیزکارتر بودن توجه می‌شد. در همان ایام بنده در برنامه‌درس‌هایی از قرآن گفتم که مسأله علم و تقوا و زهد و کمالات، همه مورد قبول است؛ ولی در قرآن آیاتی وجود دارد که سزاوار است در انتخاب مرجعیت به آن آیات نیز (غیر از علم و تقوا) توجه بشود؛ مثلاً در آیه ﴿ترهبون به عدو الله﴾^۲ قرآن سفارش می‌کند باید چنان دشمن خدا را بترسانید که آن‌ها جرأت سلطه، نفوذ، دخالت، تهدید و تهاجم به شما را نداشته باشند. همچنین قرآن می‌فرماید: ﴿لیغیظ بهم الکفار﴾^۳ جامعه اسلامی باید از چنان پیشرفت و صلابتی برخوردار باشد که کفار به شدت از آن عصبانی شوند؛ و در جمله دیگر می‌خوانیم: ﴿اشدء علی الکفار رحماء بینهم﴾^۴ یعنی باید امت محمد ﷺ آن‌گونه باشند که نسبت به کفار باصلابت و نفوذناپذیر و

۱. امالی، ص ۳۸۴.

۲. انفال (۸)، ۶۰.

۳. فتح (۴۸)، ۲۹.

۴. همان.

نسبت به اهل ایمان رحیم و مهربان باشند. بر این اساس برای مرجعیت فقط اعلم بودن و پرهیزکارتر بودن کافی نیست.

با توجه به این آیات، بعضی افراد اگرچه از نظر علمی و تقوا چگونه بسیار بالایی داشته باشند؛ اما اگر مرجع بشوند به خاطر برخی خصلت‌ها، ضعف‌ها، سلیقه‌ها یا برداشت‌ها، به صلابت، وحدت و قدرت امت خدشه وارد می‌کنند؛ بنابراین در انتخاب مرجع باید به این آیات نیز توجه شود.

امام عسکری علیه السلام فرمود: «أَلَا إِنَّ الْفَقِيهَ مَنْ... أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»^۱ برای فقیه تنها قدرت اجتهاد کافی نیست، بلکه صفات دیگری لازم است تا بتواند امت و جامعه را از شر دشمنان نجات دهد.

بنابراین بندگان صالحی که حاکمیت کره زمین را در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دست خواهند گرفت باید افرادی ویژه با خصوصیت‌های ممتاز باشند. همان‌گونه که در مرجعیت باید به همه ابعاد توجه داشت، درباره بندگان صالحی که حاکمیت زمین را در زمان ظهور بر عهده می‌گیرند، نیز باید با نگاه جامعی مسأله را بررسی کرد. چنانچه در حدیث آمده است: «قلب یاران امام زمان علیه السلام مثل پاره بزرگ آهن است»^۲ «إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ». این نکته می‌رساند که استقامت، اعتقاد به امام، اعتقاد به مسیر، و شکیبایی در برابر سختی‌ها و مجاهدت‌های پیوسته از صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام و منتظران واقعی ایشان است.

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۵.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۳۵.

۵. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام حاکم اسلامی از کدام گروه مسلمین خواهد بود؟

با توجه به قرآن می‌توانیم ثابت کنیم که حاکمان آینده از کدام گروه خواهند بود. تنها کافی است دو کلمه از دو آیه را کنار هم بگذاریم! ابتدا آیه‌ای که: خداوند در غدیر خم پس از نصب امیر المؤمنین علیه السلام نازل کرد و در آن فرمود: «اليوم... و رضيت لكم الاسلام ديناً». ^۱ امروز من از دین شما راضی هستم.

بنابر آیه دیگری از قرآن دینی حاکم خواهد شد که مورد رضای خداوند متعال باشد و ما نیز دین مورد رضای خدا را دین غدیر خم می‌دانیم؛ زیرا با صراحت بیان شده است که من از این دین امروز شما راضی هستم. ﴿وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم﴾ ^۲ با توجه به این که خداوند از سویی فرمود امروز از شما راضی شدم و از سوی دیگر دینی گسترش می‌یابد که مورد رضای خدا باشد؛ از وجه مشترک این دو نکته که همان رضایت الهی است، می‌توان فهمید که دین جهان‌شمول همان دینی است که در غدیر خم رقم خورد.

۱. مائده (۵)، ۳.

۲. نور (۲۴)، ۵۵.

در فهم هر آیه و حدیثی می‌توان از آیات و روایات دیگر یاری طلبید. برای نمونه حدیثی وجود دارد که همه فرقه‌های اسلامی آن را نقل کرده‌اند. بنابراین حدیث حضرت رسول ﷺ فرموده است: یهود ۷۱ فرقه و مسیحیت ۷۲ فرقه شدند و مسلمان‌ها ۷۳ فرقه می‌شوند (البته شاید منظور از کلمه هفتاد، کثرت و تعداد زیاد باشد. سپس فرمود: «فرقه ناجیه» در میان همه فرقه‌های مسلمان یک گروه اهل نجات‌اند.^۱ طبیعی است که هر گروهی خود را اهل نجات می‌داند. در این‌جا بهتر است از خود پیامبر پرسیم «آن فرقه‌ای که اهل نجات هستند کدامند» مثل پدری که می‌گوید: یکی از فرزندانم را دوست دارم و هر فرزندی می‌گوید که من، فرزند مورد نظر پدرم هستم، در این‌جا حرف آخر را باید پدر بزند. در این‌جا هم باید از خود پیامبر پرسیم که گروه اهل نجات کدام‌یک از فرقه‌هاست و پیامبر در پاسخ می‌فرمایند: «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی»^۲ یعنی اهل نجات کسانی هستند که دنبال اهل بیت پیغمبر ﷺ بروند. بر این اساس در مورد فرقه ناجیه جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶۲.

۲. امالی، ص ۶۰.

۶. با توجه به این که بخشی از شرایط ظهور در حال حاضر محقق نشده است، چگونه می‌توان همچنان منتظر بود؟

اولاً انسان خود می‌تواند شرایط را ایجاد کند تا حالت انتظار به طور طبیعی نیز پیش بیاید؛ مثلاً اگر پدری گفت: «من زمانی برای پسرم خانه می‌خرم که داماد شود، این ما هستیم که او را امروز داماد کنیم یا ده‌ها سال بعد». شرایط را می‌توان مهیا کرد.

ثانیاً چنانچه در روایت آمده است، ممکن است شرایط لازم در یک شب ایجاد شود «یصلح الله له فی لیلة...»؛ خداوند متعال امر ظهور را یک شبه اصلاح می‌فرماید؛ مثلاً کارگری که در مؤسسه‌ای کار می‌کند و سال‌ها از خود ضعف و کم کاری نشان می‌دهد؛ ولی وقتی وارد منزل کارفرما می‌شود و می‌بیند فرزند خردسال کارفرما در حال غرق شدن در حوض است؛ در یک لحظه وارد آب می‌شود و کودک را نجات می‌دهد. این کار او تمام گله‌های بیست ساله کارفرما را از بین می‌برد. امت نیز می‌تواند با تحولی درونی و تصمیم صحیح، یک شبه مسیر خود را تغییر دهد، چه در جنبه مثبت و چه در مسیر منفی؛ چه راه حق و چه راه باطل. مثلاً در مورد کارگری که گفته

شد، اگر کارگر دیگری بیست سال به کار فرما خوش خدمتی کند؛ اما در یک لحظه وارد منزل کارفرما شود و فرزند او را بکشد؛ این عمل تمام خدمات بیست ساله او را از بین می‌برد.

در این باره می‌توان به نمونه دیگری اشاره کرد. اگر حضرت موسی علیه السلام می‌خواست تک تک ساحران را پیدا و با آنان گفت‌وگو کند، باید سال‌های زیادی تلاش می‌کرد تا بتواند یک‌یک آنان را هدایت کند؛ ولی فرعون با قدرت خود، همه آن‌ها را در پایتخت حاضر کرد و ساحران هم پس از دیدن معجزه موسی علیه السلام در یک لحظه، یکسره، ایمان آوردند؛ بنابراین، همان‌گونه که خداوند کار موسی را در یک لحظه اصلاح کرد، کار حضرت مهدی علیه السلام را نیز می‌تواند در یک لحظه اصلاح کند.

و یا اینکه ما در زمان خود نمونه ازدواج‌هایی را داریم که در آن گفتن، انتخاب، مراسم مختلف عقد و عروسی، همگی یک شبه تمام می‌شود و در مقابل ازدواج‌هایی وجود دارد که برای انتخاب چند سال، خواستگاری چند ماه، گفت‌وگو چند هفته و برای تعیین مراسم و تهیه سالن تا مراسم عروسی مدت‌های زیادی طول خواهد کشید.

نمونه دیگر این که شخصی به شهر مدینه وارد شد، وقتی شهر را خلوت دید؛ درباره آن از مردم سؤال کرد. به او گفتند که مردم برای جنگ احد از مدینه خارج شده‌اند. به محض اینکه از ماجرای جنگ آگاه شد، گوسفندانش رها کرد و خود را به احد رسانید؛ با پیامبر ملاقات کرد و به حقانیت اسلام پی برد. به جبهه رفت و به شهادت رسید در فاصله زمانی پس از طلوع

آفتاب که وارد شهر شد تا قبل از ظهر، مسیر تحقیق، تسلیم و شهادت را طی کرد و حتی دو رکعت نماز هم نخواند. حضرت درباره او فرمود: «دخُلَ الْجَنَّةَ وَلَمْ يَصِلْ رُكْعَةً»^۱ «داخل بهشت شد، در حالی که حتی یک رکعت نماز هم نخواند».

افرادی هستند که تمام عمر خدمت می کنند؛ ولی قرآن درباره آنان می فرماید: ﴿عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصُلِّي نَارًا حَامِيَةً﴾^۲؛ یعنی افرادی که اهل کار بودند و پرتلاش؛ ولی عاقبت به دوزخ وارد می شوند؛ زیرا یا در ابتدا کارشان با اخلاص نبوده یا در آغاز با اخلاص شروع کردند؛ اما در نیمه کار گرفتار عجب و غرور شدند. یا مرحله اول و وسط را سالم طی می کنند؛ ولی پس از عمل، اجر کار خود را از بین می برند. بنابراین بزرگان اخلاق می گویند: «پیدایش اخلاص مشکل نیست، ادامه اخلاص مشکل است.»

بنابراین در قرآن کریم انجام دادن کار نیک مهم نیست؛ بلکه آوردن کار نیک به صحنه قیامت مهم است: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ﴾^۳؛ یعنی «کسی که کار نیک را تا قیامت با خود بیاورد»؛ و فرمود: «مَنْ عَمِلَ بِالْحَسَنَةِ»؛ یعنی کسی که عمل نیکی انجام داد؛ زیرا بسیاری از افراد کارهای نیکی انجام می دهند؛ ولی عمل نیک آن ها به قیامت نمی رسد.

۱. تفسیر خواطر محمد متولی الشعراوی، ص ۲۶، ذیل آیه ۱۰۵ نساء.

۲. غاشیه (۸۸)، ۴ و ۳.

۳. انعام (۶)، ۱۶۰.

نمونه مناسب آن عبادت‌های ابلیس است. حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «او سابقه شش هزار سال عبادت داشت.» سپس ادامه می‌دهد: «معلوم نیست این سال‌ها، سال‌های دنیوی است یا اخروی؛ اگر ببینیم که یک روز آخرت معادل پنجاه هزار سال دنیا است، آن وقت مقدار عبادت‌های ابلیس معلوم می‌شود:

«وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَا يُدْرِي أَمِنَ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الآخِرَةِ عَنْ كَبْرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ»^۱.

کوتاه سخن آن که هیچ کس نمی‌تواند با محاسبات، خیالات و پیش‌بینی‌های خود قاطعانه سخنی بگوید و به آینده خود مطمئن باشد. ممکن است تخت بی‌دست و پای بلقیس در یک چشم به هم زدن از منطقه‌ای به منطقه‌ای منتقل شود و انسان‌های با دست و پا چنان زمین‌گیر شوند که سال‌ها از بستر تکان نخورند: ﴿أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾^۲.

خداوند متعال نوزاد بی‌دست و پا را (حضرت موسی علیه السلام)، در دریا حفظ می‌کند و فرعون با دست و پا را غرق می‌فرماید. پرورگار توانا این قدرت را دارد که پیامبری مانند حضرت نوح را روی آب حفظ کند و پیامبر دیگری مثل یونس را در زیر آب محافظت نماید و از حضرت یوسف علیه السلام در چاه، کنار آب، نگهداری کند.

۱. نهج البلاغه، ص ۲۸۷.

۲. نمل (۲۷)، ۴۰.

او دارای چنان قدرتی است که از درختان کوچک میوه‌های فراوان به وجود می‌آورد و در کنار آن درختان بزرگی که هیچ میوه‌ای ندارند، برمی‌افرازد.

همه این نمونه‌ها برای این گفته شد که چه بسا مقدمه ظهور حضرت مهدی علیه السلام با داشتن آن همه علایم و شرایط، ممکن است یک شبه فراهم شود.

۷. آیا این مطلب درست است که اگر دنیا پر از ظلم شود؛ امام زمان زودتر ظهور می‌کند؟

در حدیث نیامده است که دنیا پر از ظالم شود؛ بلکه فرموده‌اند: دنیا پر از ظلم شود. دقت در این باره نشان می‌دهد که این‌گونه روایات به توصیف جامعه در عصر غیبت می‌پردازد و به هیچ وجه بر وقوع ظلم و ستم توصیه و یا تأکید نمی‌کند؛ چون بین پر از ظلم شدن و پر از ظالم شدن تفاوت وجود دارد. برای مثال اگر بگویند وقتی در سالن را باز می‌کنیم که پر از دود شود، این به آن معنا نیست که همه مردم سیگاری شوند تا سالن پر از دود شود. شاید افراد زیادی که اهل سیگار نیستند، در سالن وجود داشته باشند؛ ولی فردی نا اهل، با آوردن کنده‌ای درخت سوخته، سالن را پر از دود کند. این جمله غیر از آن است که بگوییم وقتی در سالن را باز می‌کنیم که تمام مردم اهل سیگار باشند؛ پس، معنای جمله سالن پر از دود شود با سالن پر از افراد سیگاری شود، یکی نیست.

زمان ظهور، افرادی که از هر جهت صالحند، بسیار زیاد هستند؛ ولی به وسیله چند جنایتکار همه دنیا می‌تواند پر از ظلم شود؛ همان‌طور که یک نفر می‌تواند با آوردن کنده‌ای درخت سوخته، سالن را پر از دود کند. یک یاغی

جهت‌نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی) □ ۳۳

متجاوز می‌تواند چند منطقه را به آتش بکشد، با آن‌که در هر منطقه افراد صالحی هم وجود داشته باشد.

۸. حضور و آمادگی چه تعدادی از یاران امام زمان علیه السلام برای قیام وی کفایت می‌کند؟

هم یاران واقعی حضرت کم هستند و هم اینکه برای پذیرش و قبل از آن برای قیام امام باید آمادگی عمومی پیدا بشود. در قرآن می‌خوانیم پس از حضرت موسی ستمگری پیدا شد که مردم را از خانه، سرزمین و فرزندان‌شان جدا می‌کرد. مردم مظلوم نزد پیامبرشان رفتند و از او تقاضا کردند برایشان یک فرمانده نظامی تعیین کند تا در برابر آن ستمگر بایستند. پیامبرشان فرمود: «احتمال نمی‌دهید که اگر جهاد بر شما مقرر شد، جهاد نکنید؟!» گفتند: «هرگز!»؛ ولی همین که به آن‌ها دستور جنگ داده شد، جز تعدادی کمی، همه سرپیچی کردند. خداوند متعال به این گروه که اظهار آمادگی و جانفشانی کردند؛ ولی در عمل سرپیچی نمودند، لقب «ظالم» نهاد و فرمود: «و الله علیهم بالظالمین»^۱. در این امتحان مکتبی، بیش‌تر افراد مردود شدند؛ حتی اقلیتی که جهاد را پذیرفتند، در رهبری فرمانده تردید کردند؛ یعنی همین که پیامبرشان فرد لایقی (طالوت) را از سوی خداوند متعال برای فرماندهی تعیین کرد،

گفتند: «چون ثروت ما بیش‌تر است، خود ما به فرماندهی سزاوارتریم. جمعی با این‌که نشانه‌های لیاقت طالوت را دیدند سرپیچی کردند. این نیز امتحان برخی دیگر و به نوعی امتحان دوم بود.

گروه دیگری که در ظاهر وفادار بودند، به سوی جبهه حرکت کردند. رهبرشان فرمود: در طول مسیر، خداوند متعال شما را به نهر آبی آزمایش می‌کند. سعی کنید از آن ننوشید! هر که از آن بنوشد از ما نیست البته اجازه دارید که با دست لبی‌تر کنید؛ اما خود را سیراب نکنید.» این گروه وفادار نیز، همین‌که به آب رسیدند، نتوانستند خود را حفظ کنند و کاملاً خود را سیراب کردند (این امتحان سوم بود). در این امتحان نیز گروهی مردود شدند.

کسانی که فرمان جهاد را پذیرفتند، رهبری طالوت را هم پذیرفتند و از مسئله شکم هم گذشتند؛ اما همین‌که در مقابل دشمن قرار گرفتند، گفتند: «ما حریف دشمن نیستیم، و این شعار را سر دادند که ﴿لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ﴾^۱ (این امتحان چهارم). در این میان تعداد کمی باقی ماندند که آن‌ها نیز این شعار را سر دادند: ﴿كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۲.

کوتاه سخن آن‌که هر کس در ظاهر ادعای انتظار و اعلام وفاداری می‌کند؛ اما باید مراحل مختلف امتحان را سپری کرد تا معلوم گردد که،

۱. بقره (۲)، ۲۴۹.

۲. همان.

افراد صادق چند نفر هستند؛ نه تنها در عرصهٔ جهاد بلکه در سایر عرصه‌ها نیز چنین است.

در حدیث می‌خوانیم که حضرت فرمود: «مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَ أَقْلَ الْحَجِيجِ»^۱ «چه بسیارند کسانی که در مکه ظاهر مناسک را انجام می‌دهند و اهل ناله و انابه هم هستند؛ ولی حاجیان واقعی بسیار اندکند؛ افزون بر احکام، در نبوت نیز مسأله چنین است. قبل از بعثت افرادی منتظر حضرت رسول ﷺ بودند و چون می‌دانستند که شهر مدینه محل هجرت پیامبر قرار خواهد گرفت، سال‌ها قبل از بعثت پیامبر ﷺ در آن جا ساکن شدند و ضمن تجارت منتظر ظهور پیامبر بودند؛ ولی بعد از ظهور، با این‌که نشانه‌های پیامبری را با آنچه در تورات آمده بود موافق یافتند، کفر ورزیدند: ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ﴾^۲.

بر اساس این ماجرا نباید به هر استقبالی تکیه کرد و نباید به هر دانستنی‌ای امیدوار بود. آنان با این‌که پیامبر را مثل فرزندان‌شان می‌شناختند؛ با همان علم و آگاهی روحیه تسلیم نداشتند و در واقع نباید به هر اظهار عشق و انتظاری مغرور شد؛ زیرا ممکن است در مرحله عمل، حالت‌های انسان تغییر یابد. هستند کسانی که در دعای ندبه اشک می‌ریزند و اظهار انتظار می‌کنند؛ ولی از درآمدهای خود سهم امام زمان علیه السلام را نمی‌دهند. اهل

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۲۳.

۲. بقره (۲)، ۸۹.

کوفه هزاران نامه برای دعوت و یاری امام حسین علیه السلام نوشتند؛ اما ایشان را در کربلا تنها گذاشتند.

حتی درباره توحید نیز چنین است. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾؛^۱ همین که افراد در دریا، کشتی خود را در ورطه هلاک می‌بینند، خدا را با اخلاص می‌خوانند؛ ولی همین که به ساحل رسیدند همه چیز را فراموش می‌کنند.

در مسائل خانوادگی نیز همین‌گونه است. قرآن می‌فرماید: همین که زن حامله می‌شود، زن و شوهر ضمن درخواست از پروردگارشان با خداوند عهد می‌کنند که اگر فرزند شایسته‌ای به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود: ﴿لئن آتیتنا صالحاً لنكوننَّ من الشَّاكِرینَ﴾؛^۲ ولی همین که خداوند متعال به آنان فرزند صالحی داد، پدر و مادر، برای خداوند متعال شریکانی قرار می‌دهند: ﴿فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا﴾.^۳

آری، انسان چه زود وعده‌های خود را با خداوند متعال فراموش می‌کند! کوتاه سخن این که فقط ایمان اصیل زمینه ساز ظهور است و ایمان‌های موضعی، موسمی، گزینشی، منهای عمل، ریزشی، موجی و ایمان ضعیف، بدون منطق و کارآمد و سودمند نخواهد بود.

۱. عنکبوت (۲۹)، ۶۵.

۲. اعراف (۷)، ۱۸۹.

۳. همان، ۱۹۰.

برای نمونه در غدیر خم، یاران پیامبر خدا ﷺ به امیر المؤمنین تبریک گفتند؛ اما پس از رحلت رسول خدا ﷺ حش را ربودند؛ بعضی دیگر بیعت را شکستند و جنگ جمل را به راه انداختند.

برای آزمایش خود، هرکسی به خود مراجعه کند و بنگرد که در عمر خود چند بار قول داده و وفا نکرده، توبه کرده توبه شکسته، وعده داده و تخلف کرده است. همه این موارد دلیل بر عدم استقرار ایمان در فرد است.

در قرآن کریم در آیات ۷۵ تا ۷۹ سوره توبه می‌خوانیم شخصی از پیغمبر درخواست دعا کرد تا ثروتمند شود. حضرت فرمود: «مال اندکی که شکرش را ادا کنی بهتر از مال زیادی است که نتوانی شکرش را به جای آوری.» او قول داد که تمام حقوق واجب مال را بدهد؛ ولی همین که ثروتمند شد، اول از نماز جماعت فاصله گرفت؛ سپس از نماز جمعه و در مرحله بالاتر، منکر زکات شد و به دلیل همین خلف وعده‌ها، نفاق عمیق برای همیشه در قلب او ماندگار شد و به طور طبیعی این روند می‌تواند نسبت به دیگران هم صورت بگیرد.

با این که قرآن مزد رسالت را «مَوَدَّتْ فِي الْقُرْبَى» می‌داند: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؛^۱ ولی صدها میلیون مسلمان داریم که حتی نام اهل بیت را نمی‌دانند و از این نکته نیز بگذریم که چقدر از اهل بیت نسل و یاران آنان کشته، تبعید، اسیر و تحقیر شدند: «فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَ

سُبَى مَنْ سُبَى، وَ أَقْصَى مَنْ أَقْصَى».^۱

آنچه گفته شد، گوشه‌ای از نمونه‌های قرآنی بود و بی‌تردید اگر بخواهیم از روایات و تاریخ بخش‌های دیگری را بیان کنیم، کتاب قطوری به نام «نامردی‌های انسان» نوشته خواهد شد! به هر حال قرآن فقط به افراد خاصی می‌فرماید: این‌ها راستگویانند ﴿اُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾؛^۲ و این نکته بدان اشاره دارد که بسیاری از افراد دروغ می‌گویند.

بارها به بعضی از امامان معصوم پیشنهاد قیام می‌دادند؛ حتی می‌گفتند: شما در فلان منطقه صد هزار یاور دارید؛ ولی امام با نگاه عمیق خواسته آن‌ها را نمی‌پذیرفت؛^۳ زیرا می‌دانست که ایمان آن‌ها ظاهری است؛ نه اصولی و ریشه‌ای.

قرآن ایمان تنها را کافی نمی‌داند؛ بلکه ایمان طولانی و همراه با استقامت ارزشمند است: ﴿قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾.^۴
خداوند در قرآن به ایمانی خالص: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ﴾؛^۵ ایمانی همراه با عمل: ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾.^۶
ایمان و عملی بدون مجادله: ﴿ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مَّا

۱. مفاتیح الجنان، بخش از دعای ندبه.

۲. حجرات (۴۹)، ۱۵.

۳. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

۴. احقاف (۴۶)، ۱۳۰.

۵. انعام (۶)، ۸۲.

۶. بقره (۲)، ۸۲.

قَضِيَّتَ ﴿۱﴾. اشاره می کند؛ یعنی مؤمنان واقعی کسانی هستند که نسبت به داوری های حضرت رسول ﷺ نگرانی نداشته باشند و آیه ای دیگر از ایمانی همراه با هجرت: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا﴾؛^۲ سخن می گوید یعنی کسانی که ایمان دارند ولی هجرت نمی کنند، حق ولایت و سرپرستی ندارند. در قرآن از ایمانی همراه با نشاط؛ سخن به میان می آید و مسلمانانی که نماز را در حال کسالت می خوانند، انتقاد می کند: ﴿وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى﴾.^۳ و یا به ایمانی همراه با پرداخت پول اشاره دارد و به اصحاب پیامبر که در جبهه جنگ همراه با رسول خدا ﷺ جنگیدند، پیروز شدند و غنایم به دست آوردند، می فرماید: اگر ایمان دارید، خمس بدهید وگرنه ایمان ندارید: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خَمْسَهُ... إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ﴾.^۴

خداوند در آیاتی دیگر به ایمانی همراه با عقل توجه می کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... ان كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾.^۵

و نیز: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ

۱. نساء (۴)، ۶۵.

۲. انفال (۸)، ۷۲.

۳. نساء (۴)، ۱۴۲.

۴. انفال (۸)، ۴۱.

۵. آل عمران (۳)، ۱۱۸.

أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»^۱.

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «ای مؤمنان! نگذارید بیگانگان عاملی نفوذی باشند!»؛ و در پایان می‌فرماید: «اگر عقل دارید».

بر اساس آنچه گفته شد، ایمان زمانی ارزشمند است که با عمل، خالصانه، همراه با هجرت و همراه با عقل و مواردی از این چند باشد؛ بنابراین هر ایمانی سبب رستگاری نیست. مؤمنانی رستگارند که در نماز خود خاشع، زکات مال خود را بپردازند در برابر شهوت از خود محاظت کنند، و از لغو روی‌گردان باشند. درجای دیگر می‌فرماید: «مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که هرگاه نام خداوند متعال برده شود، [مثلاً صدای اذان را شنیدند]؛ دل آن‌ها می‌لرزد و هرگاه آیات قرآن بر آنان تلاوت شود، بر ایمانشان افزوده می‌گردد.»^۲

آری؛ لازم است هرکس که خودش را مؤمن و منتظر ظهور حضرت مهدی می‌داند، خود را با این آیات قرآنی که در این چند سطر بیان شد، مورد ارزیابی قرار دهد و مفاهیم این آیات را در خود نهادینه کند.

همان‌طور که نخ سالم باید منتظر سوزن باشد. با نخ پوسیده چیزی دوخته نمی‌شود؛ بنابراین لایق بودن رهبر به تنهایی کافی نیست. در جنگ احد، فرمانده جنگ، شخص پیامبر بود ولی مسلمانان در این جنگ شکست خوردند؛ زیرا یاران پیامبر دچار سستی و غفلت شدند: «فَسَلَّتُمْ»؛ و دستور

۱. همان.

۲. مؤمنون (۲۳)، ۱۵۲.

حضرت را اجرا نکردند: «عَصَيْتُمْ»؛ در مأموریت خود نزاع کردند: «تَنَازَعْتُمْ»^۱ البته نباید ناامید شد؛ زیرا خداوند متعال می‌تواند همین انسان‌های ضعیف را نیز دگرگون کند.

گاهی آبی آلوده، به خاک باغچه فرو می‌رود؛ ولی از آن گل و گلابی خوشبو به دست می‌آید. خداوند متعال می‌تواند بدی‌ها را به خوبی‌ها تبدیل و افراد را متحول نماید.

در دعای ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ غَيْرِ سَوْءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكُ»؛ همان‌گونه که سلمان فارسی بخشی از عمرش (و آن هم در اواخر عمرش) به اسلام گروید؛ اما چنان رشد معنوی کرد که درباره‌اش گفتند: «السَّلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۲.

ما باید با استمداد از خداوند متعال و با الهام از آیات و روایات و دعاها، در خود شایستگی ایجاد کنیم. اولین گام برای این کار فکر بلند و نگاه وسیع به تمام هستی و مردم است. کسانی که منتظر اصلاح کلی و برقراری عدالت اجتماعی در همه جهان هستند، نمی‌توانند افرادی باشند که دایره فکرشان فقط به خویش و بستگان و قبیله و حزب و منطقه خاص خود محدود باشد؛ بلکه باید روحی بسیار بلند داشته باشند. در دعاها از خداوند متعال می‌خواهیم: «خدایا! همه فقرا را غنی ساز و همه مشکلات را حل بفرما! همه بیماران را شفا بده!» در این دعاها به کشور و منطقه و لهجه و... توجهی

۱. آل عمران (۳)، ۱۵۲.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۸، ص ۲۸۵.

نشده است؛ چنان که در سلام نماز به همه صالحان تاریخ سلام می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.» از خداوند متعال هدایت به راه مستقیم را برای همه مردم می‌خواهیم؛ بنابراین می‌گوییم: «اهدنا!» و نمی‌گوییم: «اهدنی!».

دعای عهد نوع رابطه ما را با حضرت مهدی علیه السلام و علاقه ما را به آن حضرت نشان می‌دهد. در این دعای نورانی می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ عَنِ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» و این به معنای آن است که علاقه ما باید به نمایندگی از همه مؤمنان باشد و نیز:

علاقه باید بدون مرز: «فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا»؛ علاقه باید بدون شرط: «حَيْهَمُ وَ مَيْتِهِمْ»؛ علاقه باید بدون تاریخ: «عَنْ وَالِدِي وَ وَالِدِي»؛ علاقه باید بدون محدودیت: «زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادِ كَلِمَاتِهِ»؛ باشد

و همچنین باید دارای تازگی بوده و هر روز نو شود: «أَجَدُّ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ»؛

و روندی رو به رشد داشته باشد: «عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً»؛ یعنی اول تعهد، بعد قرار بستن سپس بیعت و تسلیم.

به راستی این جملات چقدر سازنده است! انسانی را که به طور طبیعی باید به فکر خوراک، پوشاک، همسر، فرزند و رفاه باشد، با عشقی بی‌نهایت به مصلحتی معصوم، آن هم بدون هیچ حد و مرز، مرتبط می‌سازد.

این علاقه بر اساس آن است که در حدیث می‌خوانیم: «امام از پدر به مردم مهربان‌تر است»؛ «اشفق علی الناس من آبائهم و امهاتهم»^۱.

۹. چگونه امام زمان علیه السلام می‌تواند حکومت واحدی تشکیل دهد و همه مکاتب و ادیان را گرد هم آورد؟

اولاً در این مورد، اراده خداوند متعال مطرح است و نه قدرت بشری: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...﴾^۱ و خداوند متعال هر آنچه اراده کند، همان محقق می‌شود و اراده خدا بر هر چیز غالب است: ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ﴾^۲.
نکته اول: در تاریخ نمونه‌هایی از حکومت مردان خداوند وجود داشته است؛ مثلاً حضرت سلیمان علیه السلام که حاکمی الهی بود و بر همه امور تسلط داشت؛ یا حضرت یوسف علیه السلام که توانست با تدبیری مناسب مدیریت منطقه‌ای را به دست بگیرد و یا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که همه بت‌ها را شکست، گروه‌ها و احزاب منحرف را در هم کوبید و حکومتی آمیخته از عرب و عجم، برده و آزاد، زن و مرد، سیاه و سفید تشکیل داد آن چنان که اکنون مناسک حج، تابلویی از گرد آمدن لهجه‌ها، سلیقه‌ها و نژادها، از همه کشورهای دنیا در یک منطقه آن هم با یک لباس، یک شعار، یک برنامه، در زمان، مکان واحد می‌باشد.

۱. قصص (۲۸)، ۵.

۲. یوسف (۱۲)، ۲۱.

در ایران نیز امام خمینی علیه السلام فقیه عادل بود که حکومت را به دست گرفت، و پرونده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در هم پیچید. شکوفایی و رشد نسل جدید را به ارمغان آورد. در حالی که طاغوتیان و جنایتکاران یا فرار کردند و اعدام شدند و در مقابل مستضعفین حکومت را به دست گرفتند. او توانست با انقلاب اسلامی ایران قوانین باطل را لغو کند و همه احزاب و سلیقه‌های مختلف در یک کشور را در یک خط و دور یک محور جمهوری اسلامی قرار دهد.

اگر ما امام خمینی را نمی‌دیدیم، برای معنای این آیه دنبال یک مصداق می‌گشتیم که مگر می‌شود کسی از احدی جز پروردگار نترسد: ﴿وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾^۱ بر فرض ما اگر نمونه‌ای هم نداشته باشیم، به وعده‌های الهی ایمان داریم که خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^۲ یعنی ما پیامبران و مؤمنان را در همین دنیا یاری می‌دهیم. در قرآن نمونه‌هایی از این دست فراوان است از جمله آن جا که خداوند فرموده است: «حزب خدا غالب است»؛ ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۳ «لشکر ما یاری شده هستند»؛ ﴿إِنَّهُمْ هُمُ الْمُتَنصُرُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا هُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۴؛ «ما حکومت را به مؤمنین خواهیم داد»؛

۱. احزاب (۳۳)، ۳۹.

۲. غافر (۴۰)، ۵۱.

۳. مائده (۵)، ۵۶.

۴. صافات (۳۷)، ۱۷۲ و ۱۷۳.

﴿لَيْسَتْ خَلِيفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛^۱ «مکتب اسلام را بر همهٔ مکتب‌ها غالب خواهیم کرد»؛ ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾.^۲

نکته دوم: وقتی بر اساس روایات قطعی قرار است که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام زمان علیه السلام نماز بخواند؛ می‌توان پیش بینی کرد که مسیحیت جهان نیز به پیروی از حضرت مسیح در خط اسلام قرار می‌گیرند.

نکته سوم: خستگی مردم از جنایتکاران، شکست همهٔ وعده‌ها و گسترش فساد در جهان، به قدری است که در روایات می‌خوانیم که افرادی بر سر قبر مردگان می‌آیند و می‌گویند: خوشا به حال شما که رفتید و این زندگی ما را ندیدید! خستگی مردم آنان را آماده پذیرفتن حق می‌کند؛ همان‌گونه که خستگی مردم از جنایتهای شاه، آن‌ها را به سمت امام خمینی کشانید.

نکته چهارم: بسیاری از فرهیختگان بشری، تخصص خود را در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می‌دهند و بازوی اجرایی ایشان می‌شوند؛ چنان‌که ما در زمان خود دیدیم خلبانانی که در زمان شاه در آمریکا تحصیل کردند و خلبان شدند تا اهداف شاه و آمریکا را تأمین کنند؛ اما با انقلاب اسلامی خدمت امام آمدند؛ دست امام را بوسیدند و تخصص خود را در خدمت امام راحل عظیم الشان گذاشتند.

نکته پنجم: رمز پیروزی اسلام هدایت و حقانیت است، نه اسلحه و کودتا: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾.^۳

۱. نور (۲۴)، ۵۵.

۲. توبه (۹)، ۳۳.

۳. توبه (۹)، ۳۳.

انسان به طور فطری دین حق را دوست دارد؛ آن‌چنان که اگر اسلام ناب به مردم عرضه شود، گروه گروه به آن می‌پیوندند؛ همان‌گونه که در صدر اسلام اخلاق، رفتار و منطق پیامبر باعث شد تا مردم دسته به دسته به دین اسلام ملحق شوند: ﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾.^۱

امام رضا علیه السلام فرمود: «اگر مردم زیبایی کلام ما را بشناسند، حتماً از ما پیروی می‌کنند؛ إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَرَفُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا».^۲

نکته ششم: حذف خرافات و جلوه کردن حق از جمله موارد گرایش مردم به امام زمان علیه السلام است. ظهور می‌کند: «یأتی بأمر جدید» و منظور آن است که وقتی خرافات و بدعت‌ها در اسلام برطرف شد، حقیقت اسلام چنان جاذبه‌ای خواهد داشت که مردم را دگرگون خواهد کرد.

نکته هفتم: رعب و ترس نیز در این باره نقش مهمی دارد؛ همان‌گونه که بر اساس روایات، امام از پدر مهربان‌تر است: «أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ»؛^۳ نسبت به جنایتکاران نیز قهار است: «أَشْدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و همه جنایتکاران به خاطر جنایاتشان از نظام مهدوی به وحشت می‌افتند: «وَنَصَرَتْهُ بِالرُّعْبِ».

همان‌گونه که درباره پیامبر اسلام، این وحشت در دل منحرفین ایجاد شد: ﴿وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ﴾.^۴

۱. نصر (۱۱۰)، ۲.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸.

۴. احزاب (۳۳)، ۲۶.

۱۰. امام زمان علیه السلام چه زمانی ظهور می‌کند؟

هیچ کس نه می‌تواند و نه حق دارد برای ظهور امام زمان علیه السلام، زمان تعیین کند؛ چون زمان ظهور از علوم غیبی است که فقط در اختیار خداوند متعال است. در روایات می‌خوانیم اگر کسی برای ظهور زمانی را تعیین کرد او را تکذیب کنید: «كَذَبَ الْوَقَاتُونَ!»^۱.

۱. آیا ممکن است امام زمان عجل الله فرجه در عصر غیبت دیده شود؟

دیدن امام زمان عجل الله فرجه محال نیست و توفیق زیارت ایشان امتیاز بالایی است. در دعاها نیز از خداوند متعال می‌خواهیم که این دیدار را نصیبمان فرماید: «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ». همچنین بنابر منابع اسلامی وقتی مردم امام زمان عجل الله فرجه را در زمان ظهور ببینند، خواهند گفت: «ما ایشان را چند بار دیده بودیم!» از سویی دیگر بخواهیم مسأله را از دیدگاه قرآن بررسی کنیم، ماجرای حضرت مهدی عجل الله فرجه شبیه داستان حضرت یوسف عليه السلام است: «فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» به آن معنا که یوسف برادرانی را که ده‌ها سال او را ندیده بودند، شناخت؛ ولی آن‌ها او را نشناختند. آنچه در این میان مهم است، توجه به دو مسأله است.

اول آن که ما مأمور نیستیم برای دیدن امام زمان عجل الله فرجه به منطقه، مسجد یا واسطه‌ای رجوع کنیم. در آیات و روایات در این مورد سفارشی نشده است؛ ولی مکلفیم در زمان غیبت به مجتهد جامع شرایط (فقیه عادل بی‌هوس) که در حلال و حرام الهی صاحب نظر است، مراجعه کنیم و کلام او را برای خود حجت بدانیم و به آن عمل کنیم.

دوم این که نباید فریب افراد شیاد را بخوریم که با ادعای ملاقات با امام عصر علیه السلام افرادی را دور خود جمع کرده، از این راه نان می‌خورند و باید به هوش باشیم که تعداد مدعیان دروغین کم نیست.

ملاقات با امام، ارواحنا فدا، در مواردی نیز انجام شده است؛ اما به گونه‌ای بوده که افراد، بعداً متوجه شدند که آن شخص حضرت مهدی علیه السلام بوده است. همچنین این ملاقات‌ها با اراده حضرت صورت گرفته است، نه با اراده ملاقات کننده.

۱۲. وظیفه منتظران در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

در عصر غیبت ما چند وظیفه داریم:

۱. گام اول: معرفت.

در حدیث می‌خوانیم: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً؛^۱ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.» یعنی از فرهنگ و تمدن هیچ بهره‌ای نخواهد داشت.

شناخت مثل سایر کمالات از جمله علم، ایمان و تقوا درجاتی دارد و انسان باید روز به روز شناخت و معرفت خود را بالا ببرد.

درباره امام شناسی، بهترین منبع برای معرفی سیمای امام علیه السلام، زیارت جامعه کبیره است که از امام هادی علیه السلام نقل شده است. هیچ کس مثل خود امام، امام را معرفی نمی‌کند. امام در یک عبارت از صدها جمله که در زیارت جامعه است، چنین می‌گوید: "بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ؛" یعنی خداوند متعال به واسطه شما، آسمان و کرات آسمانی را نگاه داشته تا بر زمین فرود نیابند. این جمله یعنی چه؟ انسان وقتی گرفتار چرت و خواب‌آلودگی شد، حتی نمی‌تواند پلک خود را نگه دارد؛ اما امام علیه السلام آسمان‌ها

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ۴۱۰.

را نگاه می‌دارد. رسیدن به این درجه از معرفت بسیار مهم است. برای مثال گاهی می‌شنویم که مثلاً انگشتر عقیق انسان را حفظ می‌کند یا فلان انگشتر دارای فلان اثر است. گاهی می‌بینیم صاحبان کامیون‌های بزرگ، با زنجیری که از کامیون آویزان می‌کنند، جلوی انباشته شدن الکتریسیته ساکن را می‌گیرند؛ زیرا این انباشته شدن الکتریسته برای ماشین خطرناک است. همچنین بالای ساختمان‌های بلند، نصب قطعه‌الماس می‌تواند جلوی خطر صاعقه و رعد و برق را بگیرد و یا رابطه انسان با جهان، مثل رابطه چشم و مژه است که موی مژه چشم را حفظ می‌کند؛ البته این زنجیر، الماس و مژه، جمادات ساده‌ای هستند که با اولیای خدا قابل مقایسه نیستند؛ ولی با معذرت از اولیای خدا و تنها برای تقریب به ذهن از آنها استفاده کردیم.

ناگفته پیداست که خداوند متعال کارها را از مسیر طبیعی انجام می‌دهد، و گرنه خود می‌تواند بدون واسطه، انسان و جهان را حفظ کند، ولی این واسطه‌ها را قرار داد تا ما بتوانیم از راه معرفت، مودت و اطاعت از آنها که اولیای الهی هستند، بهتر خدا را بشناسیم. او به واسطه نیازی ندارد و از همه چیز آگاه است. به قلم و نامه نیازمند نیست تا بگوید فرشتگان کار شما را می‌نویسند: ﴿بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُوبُونَ﴾^۱ به باز کردن پرونده نیازی نیست تا بگوید: ﴿وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾^۲، به گواهان نیازی نیست تا بگوید:

۱. زخرف (۴۳)، ۸۰.

۲. تکویر (۸۱)، ۱۰.

﴿وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۱، برنامه و سنت خداوند متعال بر این اساس است که تمام آفرینش سیر طبیعی داشته باشد و با وجود این برای برخی امور واسطه قرار می‌دهد تا ما به این واسطه‌ها مرتبط شویم. خداوند متعال باران نازل می‌کند: ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾^۲؛ ولی این باران از مسیر طبیعی است؛ یعنی خورشید باید بر اقیانوس‌ها و دریاها بتابد تا بخار آن‌ها بالا رود؛ این بخارها به صورت ابر متراکم شود؛ بادهای ابرها را جابه‌جا و جاذبه زمین قطرات را به خود جذب کند، سرایشی‌های زمین آن‌ها را به صورت جوی در آورد؛ جوی‌ها در دره‌ها به هم متصل و به نهر تبدیل شوند و به دریا برسند.

در مسائل معنوی نیز ماجرا به همین روش است؛ یعنی خداوند متعال انسان را از مسیر وحی، فرشتگان، انبیا، عقل، فطرت، آموزش، پرورش و هدایت می‌کند.

امامان ما و اولیای خدا نیز واسطه خدا و انسان برای فیض مادی و معنوی هستند. فیض مادی مانند «بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ»^۳ و فیض معنوی مانند «بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا»^۴ فیض دنیوی مثل «بِمُؤَالَاتِكُمْ أَصْلَحَ مَا فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا»^۵ و فیض اخروی نظیر «شُهَدَاءِ دَارِ الْفَنَاءِ وَ

۱. غافر (۴۰)، ۵۱.

۲. مومنون (۲۳)، ۱۸.

۳. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

۴. همان.

۵. همان.

شُفَعَاءِ دَارِ الْبَقَا»^۱. این جملات در قرآن ریشه دارد؛ زیرا قرآن نیز در این باره می‌فرماید: ما شما را امت وسط قرار دادیم تا شاهد بر اعمال مردم باشید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾^۲؛ اگرچه مفسرین در معنای امت وسط سخنان زیادی دارند؛ معقول‌ترین سخن، روایات اهل بیت: است که می‌فرماید: امت وسط، همه مردم نیستند؛ بلکه مراد از امت وسط پیامبر و اهل بیت او هستند و غیر از این نمی‌تواند باشد؛ زیرا قرآن می‌فرماید: خداوند شما را امت وسط قرار داد تا بر امور مردم شاهد باشید و از آن‌جا که شاهد دو چیز لازم دارد: علم و عدالت؛ پس مردم که به کار یکدیگر علم ندارند. (نه من از کار شما آگاهم تا شهادت بدهم و نه شما بر کار من). بنابراین، باید مراد از امت وسط کسانی باشند که بر تمام کارهای انسان، آگاه باشند و در مرحله‌ای از عدالت باشند تا گواهی آن‌ها معتبر باشد و این، جز افراد خاصی از امت نیست. جان کلام این‌که افراد امت، نه آگاهند، و نه عادل. پس مراد از امت وسط افراد خاصی است که کارهای ما بر آن‌ها عرضه می‌شود و آن‌ها از کار ما آگاهند و گواهی آنان بر کار ما سند و حجت است.

و این مسأله مانند آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۳ اگرچه عبادت «وَهُمْ

۱. همان.

۲. بقره (۲)، ۱۴۳.

۳. مائده (۵)، ۵۵.

رَأَكُفُونَ» به صورت جمع است اما بنابر گفته شیعه و سنی، منظور از آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است. در آیه مورد بحث نیز هر چند لفظ «امت وسط» آمده است؛ ولی منظور از آن یک امت نیست، می‌توان ذکر آن را اشاره به تعداد محدودی از افراد دانست.

نظیر این مفهوم نیز در آیه ﴿فَسِيرَىٰ اللَّهُ عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^۱؛ به چشم می‌خورد که به زودی خدا، پیامبرش و مؤمنان در کار شما خواهند نگریست.

مراد از «مؤمنون» در این آیه باید کسانی باشند که بتوان نامشان را در کنار خدا و رسول عرضه کرد و این افراد نمی‌توانند افراد عادی باشند. به همین دلیل شیعه بر اساس این آیه و روایات دیگر معتقد است که اعمال انسان به اولیای خدا عرضه می‌شود. اگر اعمال او خوب باشد، اولیای الهی شاد می‌شوند و اگر بد باشد، اندوهگین می‌شوند. امام صادق علیه السلام فرموده است «ای مردم! با گناه خود رسول خدا را ناراحت نکنید» و بر اساس روایات، مراد از مؤمنون، امامان معصوم علیهم السلام هستند.

در این جا نیز باید بگوییم با این که علم، حضور و دیدن خدا کافی است؛ اما از آن جا که هر چه بیننده بیش تر باشد، شرم و حیای انسان از خلافتکاری بیش تر می‌شود، به خصوص که این بینندگان اولیای خدا باشند؛ خداوند با حکمت خود این گونه طراحی کرده است که هم در دنیا و هم در قیامت اعمال ما به اولیای

الهی عرضه شود هم زمین و هم زمان گواهی دهد و به عبارتی بهتر اعضای بدن، فرشتگان، اولیای خدا و حتی پرونده‌ها نیز گواهانی بر اعمال انسان باشند.

۲. گام دوم: مودت.

البته مودت چیزی بالاتر از محبت است. به محبت عمیقی که انسان را به پیروی وا دارد، «مودت» می‌گویند. مودت اهل بیت علیهم‌السلام مزد رسالت آن‌ها است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۱. 'مزد رسالت و تشکر از صاحب نعمت، واجب است و زمان بردار نیست؛ یعنی در هر مکان و زمانی انسان باید از زحمات کسانی که بر او حق دارند، تشکر کند. اگر در صدر اسلام، مودت و محبت به اهل بیت به عنوان مزد رسالت واجب بوده است؛ الآن هم باید این مزد پرداخته شود؛ زیرا پیامبر بر گردن ما حق بسیاری دارد پس باید الآن نیز از اهل بیت پیامبر کسی باشد تا ما به آن مودت داشته باشیم که او جز حضرت مهدی علیه‌السلام نیست.

بر اساس نصّ روایات، عترت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از قرآن جدا نیست؛ زیرا پیامبر اسلام بارها فرمود: «قرآن و اهل بیت هرگز از هم جدا نمی‌شوند.» پس اکنون که قرآن هست باید اهل بیتی هم باشد و اگر امام زمان نباشد بیش از ده قرن بین قرآن و اهل بیت فاصله می‌افتد، در حالی که یک لحظه هم نباید

بین آن‌ها جدایی باشد: «لَنْ يَفْتَرِقَا»؛ هرگز این دو (قرآن و عترت) از یکدیگر جدا نیستند.

حتی در مرتبه بالاتر، مسأله جدا نشدن قرآن و اهل بیت را نیز از خود قرآن می‌توان استفاده کرد؛ چرا که قرآن در این باره می‌فرماید: «شما که قرآن و رسول دارید چرا کافر می‌شوید»؛ ﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ﴾^۱؛ یعنی اگر تنها قرآن بود و یا تنها رسول، کفر شما توجیهی داشت اما با وجود قرآن و رسول، کفر شما هیچ دلیلی ندارد بنابراین الآن که در بین ما رسولی نیست؛ پس ما می‌توانیم کافر شویم مگر این که همتای رسول در این زمان هم موجود باشد که نتوانیم کافر شویم (زیرا کافر شدن مجاز نیست). و همتای رسول هم کسی است که پیامبر ﷺ به نوعی او را همتای خود شمرد و فرمود: «عَلَىٰ عَلِيٍّ نَفْسٌ مِنْهُ»^۲ «وَأَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ»^۳ و سایر ائمه اطهار نیز چنینند.

به عبارت دیگر، وقتی حجت بر مردم تمام است که هم رهبر معصوم و هم قرآن در بین مردم وجود داشته باشند در این صورت کلمه «حَسْبُنَا كِتَابَ اللَّهِ» نمی‌تواند درست باشد.

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۹۸.

۲. آل عمران (۳)، ۱۰۱.

۳. همان، ۶۱.

۳. گام سوم: اطاعت.

معرفت و مودت زمینه اطاعت است. در این باره به یک مثال توجه کنید. اگر شما به کودک خود بگویید: «من تو را دوست دارم.»؛ او تقاصای خرید شیرینی یا لباسی از شما داشته باشد و شما بگویید «دوستت دارم ولی خرید ممنوع» آیا کودکان این نوع دوستی را قبول می‌کنند؟ مسلماً نه. حتی کودک هم دوستی بدون عمل را، از پدر و مادرش قبول نمی‌کند. محبت باید کامل باشد و انسان نباید محبت‌های دیگر را در کنار محبت خدا و اولیای او قرار دهد.

دختری از من سؤال کرد: «من خدا را دوست دارم، اهل بیت و نماز را هم دوست دارم؛ اما برای این که لاک ناخن را دوست دارم، نماز نمی‌خوانم؛ چون نمی‌توانم وضو بگیرم پس با همان ناخن‌های لاک زده نماز می‌خوانم و در برخی مواقع هم نمازم را نمی‌خوانم.» این دختر علاقه به لاک را هم‌ردیف و برابر با علاقه به خدا، رسول و نماز گذاشته بود. به او گفتم: «اگر همسرت یک شب به خانه نیاید و بگوید که شما را دوست دارد، ولی بستنی را هم دوست دارد و چون دیشب یکی از رفقا او را برای صرف بستنی به خانه خود دعوت کرده و او نتوانسته به منزل بیاید؛ شما چقدر ناراحت می‌شوید؟ اگر علاقه به زیبایی ظاهری یک ناخن را بر علاقه به خالق همه زیبایی‌ها برتری بدهیم، توهین به خداست. اگر علاقه به گناه را بر علاقه به اهل بیت ترجیح بدهیم، توهین به اهل بیت است. همان‌طور که اگر شوهرتان علاقه به بستنی را بر علاقه به شما ترجیح دهد، توهین به شماست.»

بارها پیامبر ﷺ فرمود: «قرآن و اهل بیت هرگز از هم جدا نیستند و شما اگر به هر دو تمسک کنید، گمراه نمی‌شوید»: «ان تمسک بهما لن تضلوا»^۱.
جمله «لن تضلوا» به معنای آن است که هرگز گمراه نمی‌شوید.

هر مسلمانی هر روز با خواندن سوره حمد، حداقل ده بار از خدا می‌خواهد که از گمراهان نباشد: «وَلَا الضَّالِّينَ»؛ یعنی از «لَنْ تَضِلُّوا»ها نباشد و این، یعنی از قرآن و اهل بیت جدا نباشد. پس ما در هر نماز از خدا می‌خواهیم جزء گمراهان و از کسانی نباشیم که بین قرآن و عترت جدایی انداخته‌اند و فقط به یکی از آنها باور دارند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود، این است که بر اساس جملاتی از زیارت جامعه کبیره مانند «مِنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ» تمسک به اهل بیت تمسک به خداست^۲ «وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدَىٰ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و تمسک به خدا، همانا راه مستقیم است؛ پس این که در نماز می‌گوییم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ «خدایا! ما را به راه راست هدایت کن!»؛ راه مستقیم، تمسک به خداست و تمسک به خدا از راه تمسک به اهل بیت صورت می‌پذیرد.

یک بار دیگر به این سطر توجه کنید: توسل به اهل بیت توسل به خداست و ما که در نماز می‌گوییم «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ یعنی ما را از طریق تمسک به اولیای خودت هدایت کن!

۱. تحف العقول، ص ۵.

۲. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

نکته دیگری که باید آن اشاره شود، این است که بر اساس جملاتی از زیارت جامعه کبیره مانند «مَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللّٰهِ» تمسک به اهل بیت تمسک به خداست و از سویی دیگر «مَنْ يَّعْتَصِمُ بِاللّٰهِ فَقَدْ هَدِيَ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ»، تمسک به خدا، همانا راه مستقیم است.

۱۳. آیا توصیه به رفتن به مسجد جمکران سند معتبری دارد؟

اولاً، در کارهای مستحب به سند معتبر نیاز نیست؛ زیرا در روایات می‌خوانیم که اگر به کسی خبر کار خیری رسید و او به امید تقرب و نزدیک شدن به خداوند آن را انجام داد، پاداشی از آن کار خیر به او می‌رسد، اگرچه آن خبر واقعیت نداشته باشد. به این روایات، روایات «من بلغ» می‌گویند؛ مثلاً اگر شخصی را در راه دیدیم و خیال کردیم که او شخص خوبی است و به او سلام کردیم و احترام گذاشتیم؛ ولی بعد معلوم شد که شخص خوبی نبوده است؛ بی‌تردید به پاداش سلام خود رسیده‌ایم.

ثانیاً، رفتار و نیت مردم به خودی خود ارزش‌دهنده است. زمین جمکران، منطقه‌ای است که میلیون‌ها انسان در آن جا به یاد حضرت مهدی علیه السلام هستند و در این مسجد به مناجات، توبه، بی‌توبه، ذکر و نماز مشغولند. این عبادت‌ها در هر زمینی که انجام شود مقدس خواهد شد.

افزون بر این از بزرگ‌ترین مراجع تاریخ، حضرت آیت الله العظمی بروجردی که استاد بسیاری از مراجع بودند، پرسیدند که آیا ما در مسجد

جمکران، نماز را به قصد «ورود»^۱ یا به قصد «رجا و امید»^۲ بخوانیم؟
ایشان پس از کمی درنگ فرمود: «به قصد «ورود» بخوانید.» گوینده
این حرف حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در رمضان سال ۱۳۹۱ شمسی
در مشهد مقدس می باشد.

آیت الله صافی باز هم در این باره از آیت الله العظمی بروجردی نقل
کردند که ایشان به روحانیون می فرمود: «منبری نباشد که نام حضرت
مهدی علیه السلام در آن برده نشود.»

۱. ورود: (معنای ورود آن است که این نماز از امام معصوم علیه السلام نقل شده باشد)
۲. رجا و امید: (یعنی به امید رسیدن به ثواب، نه به اعتبار این که از سوی امام نقل
شده است).

۱۴. معنای انتظار چیست؟

انتظار دو معنا دارد: مثبت و منفی.

معنای مثبت انتظار آن است که نظام‌های بشری را نپذیریم. چون نظام‌ها، سران و قوانین آن‌ها برخاسته از هوس، با تکیه بر ظلم، قوانین سست و ناقص می‌باشد.

انتظار مثبت، یعنی منتظر رهبری بی‌نقص و کامل بودن؛ منتظر قانون صد در صد سالم و جامع بودن؛ منتظر نظام عدل بودن؛ منتظر اخلاص، رشد، تکامل، ترقی، بصیرت، احقاق حق، محو باطل، و... بودن.

اما انتظار منفی یعنی در برابر هر ضعف، عیب و ستمی سکوت کنیم تا خود حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و آن را اصلاح نماید. انتظار به این معنا، در حقیقت احتضار است، نه انتظار؛ وارفستگی است، نه وارسستگی؛ بی‌خیالی است، نه غیرت و تن‌پروری است، نه همت. مثلاً کسی که در شب منتظر طلوع خورشید است، در تاریکی نمی‌نشیند؛ بلکه ضمن انتظار، برای روشن کردن چراغ هم فعالیت می‌کند.

کسی که در زمستان منتظر بهار است، بی‌حرکت در سرما نمی‌نشیند؛ بلکه برای گرمای اتاق تلاش می‌کند و در ضمن آن در انتظار بهار و تابستان است؛ بنابراین معنای انتظار دست روی دست گذاشتن، وارفستگی، سکوت و ظلم‌پذیری نیست.

۱۵. آیا تطبیق‌هایی که در عرصه مهدویت انجام می‌شود، صحیح است؟

در بعضی روایات نام افرادی برده می‌شود که قبل از ظهور دست به کارهایی می‌زنند، مثل سید خراسانی، دجال، سفیانی و... در این میان برخی کارهای آنان را با کارهای زمان خود، آن افراد را با افراد زمان خود و آن مکان‌ها را با مکان‌هایی که خود می‌پسندند، تطبیق می‌دهند. این تطبیق‌ها نیز جایز نیست؛ زیرا این انطباق‌ها روزنه‌هایی برای سوءاستفاده صاحبان سلیقه و بدعت و نیز افراد جاهل و قاصر یا رندان شیاد خواهد شد. در این موارد تنها راه نجات آن است که تمام این تطبیق به وسیله فقیهان عادل بی‌هوس و بصیر شناسایی شود و افراد آگاه اجازه ندهند موجی از بشارت‌ها یا تهدیدها جامعه را به اضطراب بکشاند.

خدا در این باره در سوره نساء آیه ۸۳ می‌فرماید: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاعَوْا بِهِ وَلَوَّ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾؛ «هنگامی که خبری و [شایعه‌ای] از ایمنی یا ترس [پیروزی یا شکست] به آنان [منافقان] برسد، آن را فاش ساخته و پخش می‌کنند، در حالی که اگر آن را [پیش از نشر] به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند، قطعاً آنان که اهل درک و فهم و استنباط هستند، حقیقت آن را در می‌یابند و اگر فضل

و رحمت خداوند بر شما نبود، به‌جز اندکی، از شیطان پیروی می‌کردید». در این آیه خداوند متعال به افرادی که با انگیزه‌های خاصی، مانند انتقام، ضربه زدن، طمع مادی، خودنمایی، اظهار اطلاعات، مرید بازی، چپاول اموال مردم، یا ایجاد تفرقه و امثال آن خبرهایی ناخوشایند در جبهه یا غیر جبهه پخش می‌کنند؛ به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: امت اسلامی باید دارای سازمان و تشکیلاتی باشد تا اخبار مختلف در یک مرکز ویژه گردآوری شود و سپس این اخبار به وسیلهٔ اسلام‌شناسانی که اهل استنباط هستند، ارزیابی شده و صحیح یا باطل بودن آن روشن گردد؛ سپس مصلحت انتشار یا کتمان آن شناسایی شود و پس از این تمهیدات، همهٔ اخبار یا برخی از آن‌ها به اطلاع جامعه برسد.

هرچند این آیه در مورد اخبار جبهه و جنگ است؛ رجوع به کارشناس و اهل استنباط که در این آیه مطرح شده اصلی عقلایی برای همه کارهای مشکوک و شبهه‌دار است.

اگر ما در مورد امام زمان علیه السلام و مسائل قبل و بعد از ظهور روایت مشکوکی شنیدیم، باید آن را به فقیهان بصیر، ارجاع دهیم تا این روایات ارزیابی و بررسی و عدم تضاد آن با قرآن روشن شود و در معنای آن دقت گردد و پس از گذران این مراحل به آن اعتقاد پیدا کنیم. با شعر، خواب، تخیلات، حدسیات، قیاس، استحسان و این‌گونه موارد نمی‌توان به چیزی معتقد شد.

ما در اعتقادات دینی جز به دلایل عقلی، آیات قرآن و روایات محکم

نمی‌توانیم به چیزی دیگر تکیه کنیم؛ بنابراین حق تطبیق قطعی روایات با پیش فرض‌های خود را نداریم. و اگر جز این عمل کنیم، به هشدارهای بسیار سخت قرآن گرفتار می‌شویم.

قرآن کریم در آیه ۷۹ سوره بقره در یک آیه سه مرتبه می‌فرماید: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾؛ پس، وای بر کسانی که مطالبی را با دست خود می‌نویسند؛ سپس می‌گویند: «این از طرف خداست»، تا به آن بهای اندکی بستانند! پس وای بر آن‌ها از آنچه دست‌هایشان نوشت و وای بر آن‌ها از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند!»،

تنها آیه‌ای که در آن سه بار کلمه «وَيْلٌ» به کار رفته، همین آیه است که خطر علما و دانشمندان دنیاپرست را مطرح می‌کند.

برخی از پیام‌های این آیه عبارتند از:

۱. دین‌سازی، در طول تاریخ جریانی خطرناک بوده است: «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ».

۲. بدعت، دین‌سازی، دین‌فروشی و استحمار مردم، از جمله خطرانی است که از ناحیه دانشمندان فاسد، جامعه را تهدید می‌کند: «يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ».

۳. مواظب قلم‌ها، کتاب‌ها، مقالات زهرآلود، تحریف‌گر و بدعت‌گزار باشید و به هر عالمی اعتماد نکنید: «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ».

۴. مردم به صورت فطری به مذهب علاقه دارند؛ بنابراین بسیاری از شیادان، سخنان خود را به نام دین و مذهب به مردم ارائه می‌کنند: «يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ».

۵. یکی از انگیزه‌های بدعت و افتراء، رسیدن به متاع ناچیز دنیا است: «ثُمَّ نَأْتِيهِمْ قَوْمًا مِّنْ دُونِهِمْ يَلْبَسُونَ أَكْفَانَ مِمَّا قَدَّمْنَا لَهُمْ مِن لَّدُنْهُمْ فَتَلَوْنَ سُورَاتِهِمْ هُنَّ حُمُورٌ مِّثْلُ الْقُرَىٰ».

۶. از بدترین درآمدها، درآمد دین‌فروشی است: «وَيَلُّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ».

۷. شدیدترین عذاب‌ها متوجه کسانی است که به تفکر و اعتقاد مردم خیانت می‌کنند. تکرار کلمه «وَيَلُّ» گویای این هشدار است.

۸. گناه هر انحرافی که در طول تاریخ در اثر بدعتی به وجود آید، به گردن بدعت‌گزار است: «يَكْسِبُونَ» دلالت بر استمرار دارد و گویای آن است که به زمان خاصی محدود نیست.

۱۶. آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزند دارد؟

عقل به ما می‌گوید دنبال مسائلی برویم که چهار شرط داشته باشد:

۱. ضروری و واجب باشد؛

۲. مستحب و مفید باشد؛

۳. مشکل فردی در آن حل شود؛

۴. جامعه‌ای را از خطر و انحراف نجات دهد.

اطلاعات جزئی راجع به مسائل شخصی امام زمان و هیچ امام دیگر، نه واجب و مستحب است و نه مشکل فرد و جامعه‌ای را حل می‌کند. وقتی امت ما، به ویژه نسل جوان از مهم‌ترین ضروریات غافل هستند؛ آیا صلاح است که ما وقت خود را برای این‌گونه سؤالات صرف کنیم؟!

قرآن کریم در سوره کهف از جوانمردانی یاد می‌کند که در اقلیت بودند و چون احساس کردند که در محیط فاسد نمی‌توانند مکتب خودشان را حفظ کنند؛ از رفاه و لذت‌های زندگی شهری صرف نظر کردند. و در بیابان‌ها غاری یافته، به آن‌جا هجرت نمودند تا دین خود را حفظ کنند.

این نسخه قرآنی، نسخه شفابخش تمام مسلمانانی است که در سرزمین‌های کفر در اقلیت هستند و تصمیم دارند تا دین خود را حفظ کنند و اگر لازم باشد از منطقه‌ای به منطقه‌ای هجرت نموده، هم‌فکران خود را

شناسایی کنند؛ از در آمدها و رفاه‌هایی بگذرند؛ ولی تحت تأثیر آنها قرار نگیرند. قرآن از کسانی که به جای این نسخه شفابخش در فکر آمار و تعداد آن افراد هستند و با هم گفت‌وگو می‌کنند که آیا آن جوانمردان، سه نفر، پنج نفر یا هفت نفر بودند، به شدت انتقاد می‌کند.^۱

دغدغه ما باید این مسأله باشد که چه کنیم تا سرباز مهدی عجل الله فرجه شویم، نه آن که حضرت مهدی عجل الله فرجه خانواده دارد یا ندارد! لابد پس از این سؤال، سؤال‌های دیگری از این نوع هم پیش می‌آید؛ مثلاً این که آیا فرزندان ایشان پسرند یا دختر؛ داماد و عروسشان چه کسانی هستند؛ غذایشان چیست؟... درست مثل وقتی که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ از من بپرسید تا مرا از دست نداده‌اید»؛ در این میان کسی پرسید: «تعداد موهای سر من چقدر است؟»

خداوند متعال بعضی از سؤال‌ها را به گونه‌ای جواب می‌دهد که سؤال‌کننده از سؤال خود شرم‌منده شود؛ مثلاً از پیغمبر می‌پرسیدند: چه چیزهایی را انفاق کنیم: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ» چه چیز یعنی، لباس، غذا، میوه، گوشت یا نان و... اما خداوند به جای این که بفرماید چه چیزی را صدقه بدهید، جواب دیگری می‌دهد و می‌فرماید: «هر چه می‌خواهید، بدهید؛ ولی به پدر و مادر بدهید.» و به جای «چه چیز» به «چه کس» توجه می‌کند.

ما از این شیوه قرآنی استفاده می‌کنیم که لازم نیست هر سؤالی را جواب بدهیم؛ ولی لازم است جواب ما ارشادی باشد؛ یعنی سؤال‌کننده به سمت و سوی حق هدایت شود. خوراک، پوشاک یا مسکن مسأله اصلی نیست؛ سؤال اصلی، نوع صدقه نیست؛ بلکه صدقه‌گیرنده مورد توجه است.

۱۷. توجه امام زمان علیه السلام به دوست داران خود چگونه است؟

امام زمان علیه السلام واسطه فیض پروردگار، پدر امت و از پدر هم مهربان‌تر است. او ما را فراموش نمی‌کند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ»^۱.

در رابطه با توجه امام زمان علیه السلام به دو نمونه کلی و جزئی اشاره می‌کنیم: نمونه اول: در غدیر خم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابیطالب را به فرمان خدا به امامت منصوب کرد، برخی تعداد حاضران در این مراسم را بالای صد هزار نفر و برخی هم زیر صد هزار نفر گفته‌اند. اگر میانگین صد هزار نفر را در نظر بگیریم و فرض کنیم از هر ده نفر یک نفر به مکه آمده باشد؛ بنابراین جمعیت مسلمانان در آن زمان، حداقل یک میلیون نفر بوده است. از این یک میلیون نفر، تنها چهار نفر طرفدار علی بن ابیطالب باقی ماندند و بقیه راه دیگری رفتند. پس، به ازای هر یک نفر که رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام را پذیرفت، ۲۵۰ هزار نفر رهبری دیگری را پذیرفتند؛ ولی امروز در برابر هر یک نفر شیعه، چهار نفر اهل سنت وجود دارد یعنی یک دویست و پنجاه هزارم به یک چهارم تبدیل شده؛ با وجود این که در طول تاریخ، همیشه

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

جمعیت‌ها، حکومت‌ها، ثروت‌ها و تبلیغات در دست دیگران بوده است. حال باید دید چه عاملی می‌تواند جمعیت مسلمانان را از یک دویست و پنجاه هزارم به یک چهارم برساند. در نماز، روزه، حج، زکات، قرآن و امثال آن، اهل سنت از ما جلوترند؛ پس این رشد شیعه هیچ راز و تحلیلی جز نفس گرم ولیّ خدا ندارد و این نقش جلسه‌های مناجات، عزاداری، جشن و سوگواری است که شیعه در سایه آن‌ها این‌گونه رشد کرده است و از مهم‌ترین عوامل این رشد، توجه حضرت ولی عصر علیه السلام به شیعیان است.

نمونه دوم: شب نیمه شعبانی در مدینه بودم. محل مسکونی ما چند طبقه بود که کاروان‌های متعددی در آن ساکن بودند. به سالن غذاخوری رفتم؛ در هنگام غذا خوردن با خودم گفتم امشب شب نیمه شعبان است، چه خوب است کاری برای امام زمان علیه السلام بکنم. به فکرم افتاد که بروم به طبقه همکف که مغازه‌های زیادی داشت و از آن‌جا لباس و هدایایی خریداری کنم، نزد آشپزها ببرم و به مناسبت نیمه شعبان به آن‌ها عیدی بدهم؛ ولی متوجه شدم که پولم تمام شده است. کمی ناراحت و از خرید هدایا منصرف شدم. دقایقی گذشت، شخصی آمد، کنار من نشست و گفت: «اگر آشپزها از شما تشکر کردند، شما چیزی نگویند.» از او پرسیدم: «دلیل تشکر آشپزها از من چیست؟» گفت: «من در سالن مشغول غذا خوردن بودم، که ناگهان به دلم الهمام شد، بروم مغازه‌های هم‌کف پیراهن و هدایایی بخرم و به آشپزها هدیه کنم و بگویم که این هدایا را قرائتی به شما داده است؛ زیرا اگر بدانند هدایا از توست، چون مشهور هستی، بیشتر خوشحال می‌شوند تا بدانند که از

من است. من به نیابت از شما این کار را کردم؛ پس ممکن است آن‌ها بیایند و از شما تشکر کنند.» من برای حضرت مهدی نیتی کردم و زمانی که معلوم شد پولی در جیب ندارم درست همان زمان به قلب دیگری القا شد و آنچه من می‌خواستم انجام بدهم، او انجام داد. با خود گفتم: «یا حجت بن الحسن! من نه حرفی زدم، نه قدمی برداشتم، نه پولی هزینه کردم؛ اما تو این قدر بزرگواری که حتی این مسأله جزئی را به بهترین شکل بدون هیچ دخالتی از ناحیه من، انجام دادی.»

برای هر کسی در عمرش اتفاقاتی از این قبیل می‌افتد و انسان متوجه می‌شود که دست غیبی در کار است که ریز مسائل را می‌داند و به آن توجه دارد و از هر جهت حمایت می‌کند.

۱۸. معنای این حدیث که می‌فرماید: «لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۱ اگر حجت خدا نباشد، هر آینه زمین اهلش را فرو می‌برد؛ چیست؟

قرآن، هدف هستی را بهره‌گیری انسان از هستی و طبیعت و هدف آفرینش انسان را عبادت و بندگی او قرار داده است. نمونه و الگوی بندگی و بندگان را که درباره آنان می‌فرماید: «نِعْمَ الْعَبْدُ»^۲؛ یا «أَنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ»^۳ اولیا قرار داده است. عبادت ما که نه در آن حضور قلب و نه بسیاری از شرایط دیگر عبادت وجود دارد؛ دارای آن ارزش نیست که هستی برای ما آفریده شود؛ بنابر این اگر جلوه بندگی خدا و عبادت حقیقی نباشد، انسان خلق نمی‌شد و اگر انسان خلق نشود، هستی خلق نمی‌شد. این درست مثل آن است که بگوییم اگر تحصیل و تربیت شاگرد نباشد، نظام آموزش و پرورش و وزارت علوم متلاشی می‌شود؛ چون هدف از این ساختمان‌سازی‌ها ادارات، کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، تربیت استادها و

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

۲. ص (۳۸)، ۳۰.

۳. تحریم (۶۶)، ۱۰.

تخصص‌ها، همه و همه برای تحصیلات نسل نو هست که اگر این نسل نو و تربیت آنان نباشد، همه آن‌ها لغو خواهد شد.

آری! در اسکناس‌ها نخ‌نخی است که اگر آن نخ نباشد، ارزش اسکناس سقوط می‌کند.

با عنایت به مطالب بیان شده می‌توان گفت که جهان برای انسان خلق شده است؛ اما انسان‌هایی که دارای وزن و اعتباری ویژه نزد خالق می‌باشند و این‌ها حجت‌های خداوند هستند. بدون این حجت‌ها گویی زمین موجودیت بی‌محتوایی می‌یابد. به بیانی دیگر این حجت‌های الهی بهانه‌تداوم زمینند.

۱۹. آیا صدقه دادن و هدایای مادی و معنوی برای امامان به خصوص حضرت مهدی علیه السلام اثری دارد؟

آری؛ دعا برای دیگری مؤثر است. قرآن هم به فرزندان سفارش می‌کند که برای والدین دعا کنید: ﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾.^۱ امام پدر انسان است و رهبر الهی، پدر معنوی ماست. قرآن می‌فرماید: ﴿مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ﴾؛^۲ «حضرت ابراهیم پدر شماست»؛ و یا پیامبر فرمود: «أَنَا وَ عَلَى آبِوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۳ به والدین هم سفارش شده که در حق فرزندان دعا کنند: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي!﴾^۴ پس ما باید برای پدران و مادران خود دعا کنیم.

جالب توجه آن که در میان عبادات، نماز از ویژگی خاصی برخوردار است؛ زیرا در موارد متعددی از قرآن با آن که سخن از عبادات و کارهای خیر به میان می‌آید؛ اما نام نماز جداگانه برده شده است؛ مثلاً می‌فرماید: ﴿إِنَّ

۱. اسراء (۱۷)، ۲۴.

۲. حج (۲۲)، ۷۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۱.

۴. ابراهیم (۱۴)، ۴۰.

صَلَاتِي وَنُسُكِي^۱ با این که نماز جزئی از مناسک الهی است خداوند درباره آن می‌فرماید: ﴿أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ﴾^۲ یعنی با وجود این که نماز جزئی از «فِعْلَ خَيْرَاتٍ» یا همان کارهای خوب است؛ ولی نام نماز جداگانه برده شده و این بر اهمیت و ویژگی خاص نماز دلالت می‌کند.

از سوی دیگر در میان ارکان نماز، سجده جایگاه ویژه‌ای دارد تا آن جا که خداوند متعال در آیه آخر سوره علق که خواندن آن، سجده واجب دارد، به پیامبرش می‌فرماید: «راه قرب تو به ما سجده است» و در میان سجده‌ها، امتیاز و ارزش سجده آخر بیشتر است. در آن حالت حساس سفارش شده است که برای رزق همسر خود دعا کنید و مستحب است که بگوییم: «وَارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ»^۳؛ بنابراین این وقتی در این حالت حساس، آیا دعا برای رزق همسر سفارش شده است، دعا برای نجات نسل بشر از انواع ظلم، شرک، جهل و تفرقه به اندازه رزق همسر ارزش ندارد؟ این همه روایات که برای صلوات نقل شده به خاطر تأثیر دعاست. خداوند متعال در قرآن با کمال صراحت به همه مؤمنین خطاب می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۴.

۱. انعام (۶)، ۱۶۲.

۲. انبیاء (۲۱)، ۷۳.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۵۱.

۴. احزاب (۳۳)، ۵۶.

بر این اساس، اگر صلوات ما برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بی‌اثر بود، این دستور با این صراحت صادر نمی‌شد. بر همین اساس دادن صدقه و سایر هدایای مادی و هدایای معنوی برای معصومین و از جمله امام عصر علیه السلام مؤثر است.

۲۰. منتظران ظهور امام زمان علیه السلام چگونه می‌توانند او را یاری کنند؟

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«وَاللَّهِ لَأَحِبُّ رِيَاحِكُمْ وَ أَرْوَاحَكُمْ فَأَعِينُونِي عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّ وَّلَايَتَنَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الْجِتِهَادِ»^۱

بر اساس این روایت، رعایت پرهیزکاری و پارسایی، یاری رساندن به ائمه است.

در حدیثی داریم که با رفتار، گفتار و کردار خود زینت ما باشید و برای ما ننگ نباشید: «كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا»^۲

در حدیث مفصلی به نقل از امام صادق علیه السلام خطاب به زید شحام می‌خوانیم که اگر شما اهل تقوا، و ادای امانت، راستگویی، سجده‌های طولانی و حسن همجواری باشید، مخالفان خواهند گفت که: اینها جعفری، یعنی شیعیان امام صادق علیه السلام هستند: «أَقْرَأُ عَلَيَّ مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي مِنْهُمْ وَ يَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَامَ وَ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَ الْجِتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ طُولِ

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۱۲.

۲. امالی، ص ۴۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸.

السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ ﷺ أَدُوا الْأَمَانَةَ إِلَيَّ مَنْ
 اتَّيَمَّنَكُمْ عَلَيْهَا بَرًّا أَوْ فَاجِرًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَأْمُرُ بِأَدَاءِ الْخَيْطِ
 وَالْمِخِيطِ صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ أَدُّوا
 حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى
 الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ؛ ... حضرت صادق عليه السلام

به من فرمود: «به هر کس از مردم که بینی از من پیروی کنند و به گفتار من عمل کنند، سلام مرا برسان، و من به شما سفارش کنم که نسبت به خدای عزوجل تقوا داشته باشید، در دین خود پارسا باشید، در راه خدا کوشش کنید و شما را به راستگویی، امانت، طول دادن سجده و نیکی با همسایه سفارش می‌کنم؛ زیرا محمد ﷺ همین دستورات را آورده است. هر که به شما امانتی سپرد، آن را به او پس بدهید، چه نیک رفتار باشد، چه بد کردار؛ زیرا رسول خدا ﷺ دستور می‌داد که سوزن و نخ را نیز به صاحبش پس دهید، با فامیل خود پیوند داشته باشید، بر جنازه مرده‌هایشان حاضر شوید، بیمارانشان را عیادت کنید و حقوقشان را بپردازید؛ زیرا هر کس از شما که در دینش پارسا و راستگو باشد، امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد؛ می‌گویند: او جعفری است و این مرا شاد می‌کند و از جانب او شاید در [دل] من آید و می‌گویند: این روش پسندیده جعفر [بن محمد] است.

در حدیث دیگری می‌خوانیم که شیعیان ما را با سه چیز امتحان کنید:

۱. مواظبت نسبت به نماز اول وقت؛

۲. حفظ اسرار در برابر دشمن؛

۳. موااسات با برادران دینی در اموال: «امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا وَ عِنْدَ اَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوِّنَا وَ اِلَى اَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مَوَاسَاتُهُمْ لِاِخْوَانِهِمْ فِيهَا»^۱.

یاری کردن امام‌زمان و سایر ائمه راه‌های مختلفی دارد. از جمله:

نام فرزندان خود را به نام آنان بگذاریم؛ سخنان آنان را فرا گیریم و به

فرزندان خود بیاموزیم. در شادی آنان شاد و در غم آنان اندوهگین باشیم. از

آنان تجلیل کنیم؛ به زیارتشان برویم و یاران آنان را یاری کنیم.

از انجام دادن هر کاری که سبب توهین و تحقیر آنان است، پرهیز و در

راه نشر فرهنگ آنان سرمایه‌گذاری کنیم؛ هجرت کنیم؛ وقت بگذاریم، در

راه آنان وقف کنیم؛ در نامگذاری مراکز حساس به نام آن بزرگواران توجه

کنیم، به وجود آنان افتخار ورزیم و کارهای شبیه این را انجام دهیم.

از خداوند تشکر کنیم که دست ما را در دست رهبر معصوم گذاشت.

راستی! اگر آن بزرگواران نبودند، ما به طور قطع از گمراهان بودیم.

امام صادق علیه السلام به زراره فرمود: «راجع به امام منتظر مسائل گوناگون و

تردیدهایی مطرح خواهد شد. اگر آن زمان را درک کردی این دعا را

بخوان: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^۱.

آری! اگر کسی اعمالش را انجام دهد؛ ولی امام نداشته باشد، بدون امام معصوم راه به جایی نخواهد برد و با همه اعمال خیرش منحرف خواهد بود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «إِنَّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ بِعِبَادَةٍ يُجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ بِلَا إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّ سَعْيَهُ غَيْرُ مَشْكُورٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحِيرٌ»^۲.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۲. همان، ص ۴۴۹.

۲۱. چگونه ممکن است امام زمان در کودکی رهبر مسلمانان جهان شود؟

اولاً امدادهای الهی به سن و سال بستگی ندارد. گاهی یک رادیو کوچک موج دورترین نقطه را می‌گیرد؛ ولی یک رادیو بزرگ، امواج نزدیک‌ترین مکان را نمی‌گیرد. فلش کامپیوتر از فلز ساخته شده است و ابعاد آن حدود یک سانتی‌متر در چند سانتی‌متر بیشتر نیست؛ اما وقتی به کامپیوتر متصل می‌شود، پس از چند ثانیه چندین هزار جلد کتاب در آن ذخیره می‌شود. راستی! اگر انسان بتواند در لحظه‌ای این همه علوم را در فلزی ذخیره کند، که این را انجام داده است، خدای بزرگ بشر نمی‌تواند تمام علوم امامت را در یک کودک ذخیره سازد؟!

نه تنها امام بلکه بعضی از فرزندان امام نیز چنان اطلاعات وسیعی داشتند که همه را به تعجب وا می‌داشتند. در تاریخ می‌خوانیم که جمعی از شیعیان سؤالات زیادی را جهت دریافت پاسخ به منزل امام کاظم علیه السلام بردند. ایشان در خانه حضور نداشتند. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، همه سؤالات را گرفت و به آنها پاسخ علمی داد. یاران امام در راه برگشت، امام را در کوچه دیدند و گفتند: «شما داخل منزل نبودید، دختر عزیز شما همه سؤالات ما را مکتوب جواب داد.» امام کاظم علیه السلام پاسخ‌های نوشته شده دخترش را دید و سه مرتبه فرمود: «فِداها أبوها!، فِداها أبوها!، فِداها أبوها!».

آری؛ با خاندان رسالت احدی قابل قیاس نیست: «لا یقاس بنا احد»^۱.
در قرآن می‌خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام در کودکی سخن گفت و
اعلام کرد: «من پیغمبر خدا هستم...»؛ «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ
وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»^۲ همچنین حضرت یحیی علیه السلام در کودکی پیامبر شد: «وَأَتَيْنَاهُ
الْحُكْمَ صَبِيًّا»^۳.

همه کارها در برابر قدرت خداوند متعال یکسان است؛ همان‌گونه که
دیدن میخ کوچک و کوه بزرگ برای چشم یکسان است. قدرت نمایی
خداوند متعال در کودک و بزرگ یک‌گونه است. خداوند گاهی به انجیر و
زیتون کوچک: «وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ» و گاهی به خورشید بزرگ «وَالشَّمْسِ»،
قسم می‌خورد تا بگوید این دو برای من یکسان هستند.

در فرودگاه‌ها یک ماشین کوچک راهنمای یک هواپیمای غول‌پیکر
می‌شود؛ همان‌گونه که یک الماس کوچک خطر رعد و برق را از برج‌های
بزرگ دور می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۰۶.

۲. مریم، ۳۰.

۳. همان، ۱۲.

۲۲. آیا الگوی حکومت حضرت مهدی علیه السلام و افراد آن قبل از ظهور تحقق می‌یابد؟

البته در قرآن به بعضی از افراد و گروه‌ها در زمان‌هایی، با عبارت‌های ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾^۱، ﴿أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾^۲، ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۳ اشاره کرده و سیمای افرادی را برجسته و قاطعانه مطرح نموده است. این افراد نمونه، در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام به صورت کامل و تشکل یافته، اداره زمین را بر عهده خواهند داشت؛ البته رسیدن به آن مرحله نیازمند تلاش فراوان است که منتظران حقیقی باید خود را برای آن مراحل آماده کنند.

مثلاً اسلام به ما می‌فرماید که ماه رمضان را روزه بگیرید، شاید با تقوا بشوید: ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۴. این بدان معناست که برای رسیدن به تقوای احتمالی سی روز گرسنگی لازم است. اکنون منتظران برای رسیدن به تقوای قطعی، آن هم جمعی و همیشگی باید چگونه رفتار کنند؟

۱. بقره (۲)، ۱۵۷.

۲. حجرات (۴۹)، ۷.

۳. زمر (۳۹)، ۲۳.

۴. بقره (۲)، ۱۸۳.

بر اساس بعضی روایات کسانی که منتظر امام زمان علیه السلام هستند، باید خود را برای زندگی ساده‌ای آماده کنند؛ یعنی زندگی خود را روی شمعک بیاورند: «فَالْيَسْتَعِدُّ لِلْفَقْرِ»^۱.

در دعای ماه شعبان المعظم می‌خوانیم: «خدایا! به من توفیق بده به شکرانه نعمت‌هایی که دارم، آن‌گونه به فقرا و محرومین بدهم که با آن‌ها در یک رده قرار بگیریم؛ «وَ ارزُقْنِي مُوَاسَاتٍ مِّنْ قَتْرَتِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ»^۲.

شاید بخشی از برنامه‌های حضرت مهدی رحمته الله جهت اجرای عدالت، گرفتن اموال کسانی باشد که به ناحق پول دار شده‌اند و نیز تقسیم کردن آن اموال بین فقرا باشد؛ همان‌گونه که در زندگی حضرت امیر علیه السلام می‌خوانیم که ایشان در زمان حکومت حتی اسب اسب‌داران را نیز مشمول زکات دانست و فرمود: «امسال زکات گندم؛ جو؛ گاو و گوسفند برای فقرا کافی نیست و اسب‌داران نیز باید مبلغی در قالب زکات کمک کنند.»

این نکته امتحانی است از سوی خداوند متعال که در مواردی باید انسان از فراوانی نعمت هم استفاده نکند؛ همان‌گونه که در قرآن می‌خوانیم: طالوت که فرمانده منصوب خداوند متعال در لشکر حق بود، به پیروانش گفت: «مَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي»^۳؛ «هر کس از آن بخورد از

۱. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۴۷.

۲. همان، ج ۸۷، ص ۲۰.

۳. بقره (۲)، ۲۴۹.

ما نیست و هر کسی نخورد از ماست؛ ﴿إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ﴾^۱. «البته با کف دست لبی‌تر کردن جایز است.»

آری! گاهی سفره بیت المال باز است و کسانی که زهد پیشه کردند و از آن کناره گرفتند، حزب الله واقعی هستند: «مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي»^۲؛ کسانی که از آن سوء استفاده کردند و برای خود و نزدیکانشان بساط کامیابی راه انداختند، از مدار حق خارجند و در مورد آیه قبل کسانی که آب خوردند از زمره لشکریان حق به دورند. کسانی فقط لبی‌تر کرده‌اند، این‌ها نه جزء «مِنِّي» و نه جزء «فَلَيْسَ مِنِّي»^۳ هستند بلکه افراد متوسطی می‌باشند.

۱. بقره (۲)؛ ۲۴۹.

۲. همان.

۳. همان.

۱۲۳. اگر بخواهیم خود را برای نظام مهدوی آماده کنیم، باید چه نگاهی داشته باشیم؟

امام جهانی، مریدان جهانی و افکار جهانی لازم دارد. در بیشتر دعاها به ما سفارش شده که نگاه خود را از شخصی، فردی و جزئی به افقی بازتر بیفکنیم.

مثلاً حتی اگر به تنهایی نماز می‌خوانیم باید بگوییم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۱ و حق نداریم بگوییم: «إِيَّاكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ». باید بگوییم «إِهْدِنَا» نه «إِهْدِنِي»، باید بگوییم: «السَّلَامُ عَلَيْنَا» نه «السَّلَامُ عَلَيَّ».

در دعاهای ماه رمضان همه نگاه‌ها، نگاه جمعی است؛ چنان‌که در دعای بعد از هر نماز در روزهای ماه رمضان، سفارش شده که برای همه فقیران، مسافران، بیماران، گرفتاران و قرض‌داران دعا کنیم. در زکات باید هنگام تقسیم سهمی را برای جذب دل‌های ضعیف، گرچه مسلمان هم نباشند، قرار دهیم تا با احسان و گستردن سفره محبت، آنان را بر سر سفره استدلال بنشانیم و از راه محبت و عاطفه دلایل خود را القا کنیم.

خداوند متعال در قرآن، با لحن مخصوصی از مظلومیت دختران مشرک

که زنده به گور می‌شدند، سخن گفته و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾.^۱ کلمه «مَوْؤُودَةُ» به دخترانی گفته می‌شود که زنده به گور می‌شدند. این رسم برخی افراد جاهلی بود که داشتن دختر را ننگ می‌دانستند. همین که به یکی از آن‌ها خبر تولد دختری داده می‌شد، از ناراحتی صورتش سیاه می‌گردید: ﴿إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا﴾^۲ و با خود فکر می‌کرد که آیا فرار کند: ﴿يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ﴾^۳ و یا با خاری آن دختر را نگه دارد یا زیر خاک پنهانش کند: ﴿أَيْمَسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ﴾.^۴

قرآن کریم با لحنی ویژه از این جنایت بزرگ که در حق یک دختر مشرک انجام می‌شد، به شدت انتقاد نموده و اعلام می‌کند که این ظلم در قیامت مورد سؤال قرار می‌گیرد: ﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾. وقتی لشکر بنی‌امیه مرزبانی شهر را برعهده گرفت، امام سجاده علیه السلام در حق آنان دعا کرد، با وجود آنکه آن‌ها پیش از آن در واقعه عاشورا، پدر، برادران، و بستگانش را آن‌گونه به شهادت رسانده بودند. دعای امام سجاده در حق مرزبان در صحیفه سجادیه گویای این مطلب است.

تربیت جمعی به قدری مهم است که در مسائل اجتماعی، اصل مشورت

۱. تکویر (۸۱)، ۸۹.

۲. نحل (۱۶)، ۵۸.

۳. همان، ۵۹.

۴. همان.

سفارش شده و در مسائل فردی، دعا برای چهل نفر، مقدمه دعا کردن برای خود قرار گرفته و این نوع دعا کردن به استجابت نزدیکتر است.

در قرآن می‌خوانیم که چرا برای دفاع از مستضعفین جهان به پا نمی‌خیزید و جهاد نمی‌کنید؟ قرآن کریم دفاع از مستضعف را در همه جای کرة زمین لازم می‌داند.

بنابر احادیث هر کس صدای مظلومی را شنید و قیام نکرد مسلمان نیست. خواه آن مظلوم مسلمان باشد، خواه غیر مسلمان: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ وَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام همین که شنید زیور یک زن غیر مسلمان به سرقت رفته، فرمود: «اگر انسانی از غصه بمیرد، رواست.»^۲ این موارد گویای نگاه جمعی مکتب اسلام است که به پیروان خود درباره همه مردم سفارش کرده است.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. نهج البلاغه، ص ۹۳.

۲۴. چگونه می‌توان وعده حکومت جهانی را باور و تقویت نمود؟

در قرآن وعده‌های بسیاری وجود دارد که همه عملی شده است. خداوند متعال به پیامبرش فرمود: «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ»؛^۱ «ما نام نیک تو را پرآوازه قرار می‌دهیم» و این چنین شد.

و آیات دیگر از جمله اینکه «ما جلو مسخره کنندگان را می‌گیریم؛ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ».^۲ «ما قرآن را حفظ می‌کنیم؛ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».^۳ «مسلمانان پیروزمندانه وارد مسجد الحرام خواهند شد؛ لَتَدْخُلُنَّ مَسْجِدَ الْحَرَامِ»^۴ که تمام این موارد تحقق یافت.

عمل نکردن به وعده‌ها، دلایلی دارد که خداوند از همه آن‌ها دور می‌باشد؛ مثلاً عمل نکردن به وعده‌ها گاهی به خاطر فراموشی است که ساحت خداوند متعال از فراموشی به دور است: ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾^۵ و گاهی به خاطر تحت فشار قرار گرفتن است که البته هیچ چیز نمی‌تواند

۱. الشرح (۹۴)، ۴.

۲. حجر (۱۵)، ۹۵.

۳. همان، ۹.

۴. فتح (۴۸)، ۲۷.

۵. مریم (۱۹)، ۶۴.

خداوند متعال را تحت فشار قرار بدهد و او را عاجز کند. گاهی نیز به خاطر ناتوانی است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ﴾.^۱

آری، هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع اراده خداوند متعال شود. در قرآن آمده است که نوح به پسرش گفت: «خداوند کفار را غرق می‌کند». پسرش گفت: «من به کوه پناه می‌برم تا غرق نشوم؛ سَأُوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي».^۲ حضرت نوح فرمود: «کوه هم در برابر قهر خداوند ناتوان است؛ ﴿لَا غَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ﴾».^۳

بنابراین، با دیدن نمونه‌هایی از عمل به وعده‌ها، چه در قرآن و چه در روایات ایمان می‌آوریم که این وعده خداوند متعال در مورد حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز محقق خواهد شد.

۱. یوسف (۱۲)، ۲۱.

۲. هود (۱۱)، ۴۳.

۳. همان.

۲۵. چگونه می‌توان فهمید که ما جزء یاران آن حضرت هستیم؟

با توجه به این که اهداف امام مشخص شده است، می‌توانیم با ارزیابی خود درباره میزان اهتمام ما به اجرای این اهداف به این سؤال پاسخ دهیم. برخی از این اهداف مهم عبارتند از:

نابودی ظلم و ستم، گسترش عدالت، اقامه دین و مکتب الهی و اجرای احکام خداوند.

می‌توانیم با نگاهی به زندگی خود ببینیم که در طول عمر خویش، چند بار مقابل ظلم و ستم ایستاده ایم، از رفاه خود گذشته ایم، مستضعفین را یاری کرده ایم، در محو طاغوت و باطل کوشیده ایم؟

در مناطقی که انقلاب به حقی می‌شود، آیا از مبارزان و حمایت‌کننده‌ها هستیم یا از ساکتین؟ در مواردی که به گذشت و ایثار ما نیاز است، آیا اهل گذشت و ایثار هستیم یا نه؟ آن‌جا که به هجرت نیاز هست، هجرت می‌کنیم یا نه؟ حتی در مواردی که اهل عمل باشیم باز خطر بدعاقبتی وجود دارد. گروه‌هایی از یهودیان به انتظار پیامبر اسلام ﷺ به مدینه هجرت کردند؛ چون شنیده بودند که محل حکومت حضرت رسول ﷺ مدینه است؛ ولی در زمان ظهور پیامبر اسلام ﷺ با آن که پیامبر را به خوبی می‌شناختند،

ایمان نیاوردند: ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ﴾؛^۱ یعنی اول اهل عمل شدند و مهاجرت هم کردند؛ ولی سرانجام در امتحان خود شکست خوردند. چه بسیارند افرادی که در شرایط ویژه‌ای قول‌های زیادی می‌دهند، تعهدها یا نذرها یا سوگندها و قراردادهایی را با خدای خود می‌بندند؛ اما در هنگام عمل بد عاقبت می‌شوند! بنابراین، هم می‌توان خود را در برابر صحنه‌هایی که تا کنون پیش آمده است، ارزیابی کرد و هم می‌توان در آینده به ارزیابی نشست. به هر حال اگر در ارزیابی‌ها، امتحان‌ها و آزمایش‌های گذشته موفق بوده‌ایم نباید گرفتار غرور و عجب شویم که خطر انحراف و بدعاقبت شدن در کمین ماست.

۲۶. چگونه روحیه انتظار را در خود تقویت کنیم؟

اگر ما تابلویی از کارنامه و اهداف والای حضرت را ببینیم، حتماً منتظر آن حضرت خواهیم شد.

گوشه‌ای از کارنامه حضرت، در دعای ندبه وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- ریشه ظلم را می‌کند: «أَيْنَ الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ».

- انحرافات و کجی‌ها را درست می‌کند: «أَيْنَ الْمُتَنَتِّرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ».

- ستم و تجاوز را از بین می‌برد: «أَيْنَ الْمُرْتَجِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ».

- کتاب و حدود الهی احیا می‌شود: «أَيْنَ الْمُؤَمِّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ».

- شوکت متجاوزین در هم شکسته می‌شود: «أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ».

- رشته‌های دروغ و افترا قطع می‌شود: «أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ».

- اولیای الهی عزیز و دشمنان ذلیل می‌شوند: «أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مَذِلِّ الْأَعْدَاءِ».

- افکار و سخنان متفرقه بر محور تقوا جمع می‌شود: «أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ

عَلَى التَّقْوَى».

با اقدامات آن حضرت، خرافات و پیرایه‌ها برکنار و شریعت ناب اسلام ظهور می‌یابد، عدالت واقعی برقرار می‌شود، کتاب خدا از مهجوریت خارج می‌گردد و محور گردش امور جامعه قرار می‌گیرد. از جنایتکاران تاریخ انتقام گرفته می‌شود و صدها مورد دیگر که در روایات و ادعیه به آنها اشاره شده است.

توجه به این کارنامه و توجه به این که هستی به برکت او پا برجاست، انتظار را در ما شکوفا می‌کند. انتظار مهدی علیه السلام انتظار همه خوبی‌هاست و محو همه بدی‌ها. مگر می‌شود کسی منتظر ظهور خوبی‌ها و محو بدی‌ها نباشد؟

این نوع معرفت و آگاهی، انسان را وادار می‌کند که به امام زمان علیه السلام به عنوان کسی که این اهداف را محقق می‌سازد؛ سلام بدهد؛ آن هم سلامی جامع. سلام بر قیامش، سلام بر قعودش، سلام بر رکوعش، سلام بر سجودش، سلام بر قنوتش: «السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقُتُّ»^۱.

این معرفت است که انسان را وادار می‌کند در فراق او اشک بریزد و بگوید: یا مهدی! «برای من سخت است که همه را ببینم ولی تو را نبینم؛ عزیز علی آن آری الخلق و لا تری»^۲.

ای مهدی! «راهی هست که تو را ملاقات کنم؛ هلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى»^۳؟

اگر کسی به این معرفت برسد که ولی خدا هر روز برای ما دعا می‌کند و ما را از یاد نمی‌برد و واسطه فیض ماست؛ آن‌گاه عشق و علاقه اش به آن حضرت زیاد می‌شود.

۱. مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت آل یاسین.

۲. همان، فرازی از دعای ندبه.

۳. همان.

۲۷. رابطه شب قدر و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه چیست؟

برای اثبات وجود امام زمان، می‌توان از سوره قدر استفاده کرد. شب قدر در هر سال وجود دارد و هر سال در آن شب، فرشتگان همراه با «روح» که فرشته برتری است، به زمین نازل می‌شوند. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزول آنان بر شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باید شخصی حضور داشته باشد که لایق نزول فرشتگان بر او باشد. آن شخص امام معصوم است و در زمان ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد. امام عصر عجل الله تعالی فرجه در مقامی است که شب قدر که از هزار ماه بهتر است، روح و فرشتگان الهی بر او نازل می‌شود و به این ترتیب میان زمینیان و آسمانیان ارتباط برقرار می‌شود.

با توجه به این مطلب، امام صادق علیه السلام از آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَا» رهبری امام زمان را ثابت می‌کند^۱ و می‌فرماید: آیا هر سال شب قدر نداریم؟ هر سال یک شب قدر داریم. بعد قرآن می‌فرماید: در شب قدر ﴿تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ﴾^۲ ملائکه و فرشته‌های خدا از آسمان به زمین می‌آیند. امام می‌گوید: فرشتگان در زمان رسول الله بر پیامبر نازل می‌شدند؛ چون قرآن

۱. قدر (۹۷)، ۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

می‌گوید: ﴿نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ﴾^۱ وقتی پیامبر زنده بود، در شب قدر ملائکه بر قلب وی نازل می‌شدند؛ الآن هم باید شخصی چون پیامبر حضور داشته باشد که شب قدر فرشتگان بر او نازل بشوند. این آیه جز بر وجود حضرت مهدی قابل تطبیق نیست و ائمه ما از آیه «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ» برای اثبات وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام استفاده کرده‌اند.^۲

۱. بقره (۲)، ۹۷.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲۸. چرا هنگامی که نام امام زمان علیه السلام برده می‌شود، قیام می‌کنیم؟

ابتدا مقدمه‌ای را یادآوری کنیم و آن این است که مسأله قیام، همچون نخ تسبیح در تمام دانه‌های دین جریان دارد.

خداوند هستی ﴿قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾^۱ است و به پیغمبرش دستور قیام می‌دهد: ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^۲

به مردم نیز سفارش قیام می‌کند: ﴿كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾^۳.

نزول کتاب‌های آسمانی برای قیام مردم است: ﴿وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۴

نام رستاخیز نیز قیامت است؛ در نماز هم مسأله قیام مطرح شده است: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» در حج نیز قیام مورد توجه است: ﴿قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾^۵؛ نام امام دوازدهم نیز قائم است. بر این اساس، تعبیر قیام در تمام بدنه دین پاسخ کسانی است که دین را عامل رکود می‌دانند، نه حرکت.

۱. آل عمران (۳)، ۱۸.

۲. مدثر (۷۴)، ۲.

۳. نساء (۴)، ۱۳۵.

۴. حدید (۵۷)، ۲۵.

۵. مائده (۵)، ۹۷.

اما پاسخ اینکه: در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که وقتی نام مخصوص حضرت مهدی علیه السلام آورده شد، امام رضا علیه السلام به احترام آن نام قیام فرمود، با این که هنوز امام زمان علیه السلام متولد نشده بود. شاید قیام ما علاوه بر احترام، نشانه نوعی آماده باش برای ظهور آن حضرت باشد.

۲۹. امام عصر علیه السلام با حضور در یک منطقه چگونه هدایت کل بشر را در دنیا انجام می‌دهد؟

اصولاً هدایت به حضور فیزیکی نیازی ندارد؛ حتی نیازمند دیدن و شنیدن مستقیم هم نیست. در زمان جنگ صدها هزار جوان به امر امام خمینی علیه السلام به جبهه رفتند در حالی که بیش‌تر آن‌ها امام را به طور مستقیم ندیده بودند. مگر او پس قرن‌ها، پیامبر را دیده بود؟ مگر خود ما که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورده‌ایم، ایشان را دیده‌ایم؟ در نقطه مقابل این قضیه، مگر همه کسانی که پیامبر را از نزدیک دیدند، به ایشان ایمان آوردند؟ بنابراین شرط هدایت، حضور فیزیکی و ملاقات از نزدیک نیست؛ بلکه باید یک رابطه معنوی برقرار شود.

روابط معنوی به ملاقات و حضور فیزیکی ربطی ندارد. مردم از علم دانشمندی استفاده می‌کنند که آن‌ها را ندیده‌اند. با کمال تأسف، جمعی از مسلمانان کج اندیش (وهابی‌ها)، اعتراض می‌کنند و می‌گویند شما در حالی که اولیای خدا متوسل می‌شوید که آن‌ها مرده‌اند و از مرده کاری ساخته نیست! توسل شما به غیر خدا شرک است. آن‌ها نمی‌دانند که ما به جسم ائمه متوسل نمی‌شویم؛ بلکه توسل ما به مقام و جایگاه آن‌هاست و مقام آن‌ها زنده و مرده ندارد. شعر معروفی است که می‌گوید: «گر در یمنی چو با

منی پیش منی»؛ یعنی افراد با پیوند معنوی هدایت می‌شوند. خداوند در قرآن به یهودیان همزمان با پیامبر می‌گوید که شما انبیا را کشتید،^۱ در حالی که این کار نیاکان آن‌ها بود؛ ولی به خاطر این که نسل کنونی از کار گذشتگان خود راضی بودند؛ به همین دلیل خداوند کشتن انبیا را به آن‌ها نیز نسبت می‌دهد.

نمونه قرآنی دیگر این است که شتر حضرت صالح را یک نفر کشت؛ ولی بنابر سخن خداوند جمعی او را کشتند. بدیهی است یک نفر شتر را پی‌کرده و کشته است؛ ولی چون بقیه هم به کشتن آن راضی بودند، خداوند این را به همه آن گروه نسبت می‌دهد: ﴿فَعَقَرُوهَا﴾^۲

نمونه دیگر این که سفارش شده در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان که بگوییم: «اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ قَتْلَةَ جَمْعِ قَاتِلٍ است. قاتل امیر المؤمنین یک نفر بود؛ ولی ما به جمعی لعنت می‌فرستیم و این به خاطر پیوند معنوی در این کار است. بر این اساس هرگاه بین هدایت‌کننده و هدایت‌شونده نوعی پیوند معنوی برقرار باشد، هدایت صورت می‌گیرد و این هدایت به حضور فیزیکی نیازی ندارد.

۱. بقره (۲)، ۹۱.

۲. شعرا (۲۶)، ۱۵۷.

۳۰. آیا در زمان حکومت امام عصر علیه السلام به هیچ وجه ظلم و ستم نخواهد بود و انحرافی صورت نخواهد گرفت؟

معنای حکومت حق این نیست که تمام افراد آن عادل یا معصوم باشند؛ بلکه ممکن است در آن نظام افراد منحرف نیز وجود داشته باشد و کارهای خلاف هم در آن انجام گردد.

برای مثال در زمان حضرت سلیمان علیه السلام، جمعی به دنبال وسوسه‌های شیطان بودند آن‌چنان که برای ایجاد تفرقه بین زن و شوهرها آموزش سحر و جادو می‌دیدند! این ماجرا در آیه ۱۰۲ سوره بقره مطرح شده است.

ریشه گناه، هوس‌های شخصی است و با حکومت حق، این هوس‌ها محو نمی‌شود. تا زمانی که انسان غضب و شهوت دارد در معرض خلاف نیز هست. از بعضی آیات قرآن می‌توان استفاده کرد که حتی یهود و نصارا نیز در زمان حضرت مهدی علیه السلام وجود دارند؛ ولی نظام حاکم، نظام مهدوی خواهد بود؛ بنابراین ظهور حضرت مهدی علیه السلام به معنای ایجاد عدالت واقعی در وجود تک تک انسان‌ها نیست.

۳۱. چرا در عصر غیبت باید به ولی فقیه مراجعه کرد؟

برای گسترش عدالت اجتماعی در جامعه، لازم است که در تک‌تک مردم، اعتقاد و ایمان به عدالت اجتماعی را به وجود آوریم؛ به گونه‌ای که هر کس در هر کجا و در هر پست و مقام، خود بر پادارنده عدالت باشد. چون در زندگی میان منافع افراد تضاد و تزاخم هست و قهراً درگیری و نزاع پیش می‌آید و هر یک از طرفین دعوا یا خود را صاحب حق می‌داند و یا حاضر نیست از حرفی که زده، دست بردارد؛ در این جا خداوند برای استقرار عدالت دستوراتی به وسیله پیامبران به مردم ابلاغ فرموده است: ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾؛^۱ اگر در امری با هم نزاع داشتید به خدا و پیامبر رجوع کنید...؛ زیرا این کار نشانه ایمان راستین به خدا و معاد است. از سوی دیگر کسی که به دستورات الهی مراجعه نکند، امور خود را به نظام‌های طاغوتی ارجاع دهد و از ستمگران توقع عدالت و قضاوت داشته باشد؛ بایستی جداً در ایمان خود تجدید نظر کند: ﴿الْمُرِّ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَيْكَ

الطَّاعُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ^۱؛ آیا ندیدی کسانی که خود را مسلمان می‌پندارند و به فرمان‌های الهی که به تو و پیامبران قبل از تو نازل شده است، ایمان دارند؛ ولی در عمل به طاعوت تمایل داشته و نزاع‌های خود را نزد تو نمی‌آورند، اینان خیال می‌کنند که ایمان دارند؛ ولی به واقع مسلمان نیستند؛ زیرا ما به آن‌ها امر کردیم که سراغ طاعوت نروند و به آن کفر ورزند؛ ولی گوش ندادند.

بر این اساس اقامه عدالت، اگر قالب رفع درگیری میان دو نفر و یا عدالت در گستره اجتماع باشد، مهم است و از جمله هدف رسالت انبیاست؛ چنان که خداوند هدف از فرستادن پیامبران را اقامه عدالت در جامعه می‌داند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۲﴾. حال اگر در زمانی حضور داشته باشیم که برای برپایی عدالت نتوان به حضور پیامبر یا امام معصوم رسید؛ بدون شک در این زمان باید به نمایندگان خاص امامان و در غیبت کبرا به فقیهان جامع الشرائط (نمایندگان عام آنان) مراجعه کنیم؛ چنان که در حدیث آمده است: «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ^۳؛ علما، وارثان و جانشینان پیامبران می‌باشند».

در مواردی که خطر انحراف از مرز عدالت و تجاوز به حقوق یکدیگر پیش می‌آید، باید به علمای عادل مراجعه نمود تا آنان بر اساس حکم خدا فرمان و فتوا دهند.

۱. همان، ۶۰.

۲. حدید (۵۷)، ۲۵.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۲.

پرچم اجرای عدالت باید در دست بندگان برگزیده خدا باشد. اینان ارکان عدالت اجتماعی و کلید داران سعادت جامعه هستند.

بر این اساس و بر مبنای روایت‌های متعدد در زمان غیبت امام، این مسؤلیت بر عهده فقیهان و اسلام‌شناسانی است که علاوه بر عدالت کامل، لیاقت، بینش سیاسی و مدیریت، بتوانند حکم خدا را از لابه‌لای آیات قرآن و کلمات پیشوایان معصوم استخراج کنند و البته باید در این زمینه مهارت کافی و تبخّر خاصی داشته باشند تا بتوان بر آن‌ها عنوان «فقیه» را نهاد.

در پیامی که از حضرت مهدی علیه السلام رسیده چنین سفارش شده است که «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ رُوَاةٍ حَدِيثًا...»^۱ در حوادثی که پیش می‌آید، خودسرانه و عجولانه تصمیم نگیرید؛ بلکه به فقیهان عادلانی که از هوا و هوس دورند، مراجعه کنید تا آنان راه خدا و حکم او را در این زمینه برای شما بیان کنند. در حدیث دیگر می‌خوانیم که «الْفُقَهَاءُ أَمْنَاءُ الرَّسُولِ؛^۲ فقها، امین پیامبرانند.» و باید برای استقرار نظامی عادلانه به آنان مراجعه نمود.

«ابو خدیجه» که یکی از یاران مورد اعتماد امام صادق علیه السلام است، از سوی امام مأمور شد تا به مردم اعلام کند: «اجْعَلُوا بَيْنَكُمْ وَرَجُلًا مِمَّنْ قَدْ عَرَفَ حَلَالَنَا وَحَرَامَنَا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ قَاضِيًا؛^۳ تنها به شخصی مراجعه کنید که به حلال و حرام ما عمیقاً آگاه باشد. من چنین افرادی را به عنوان قاضی نصب می‌کنم.»

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۶.

۳. تهذیب، ج ۶، ص ۳۰۳.

گاهی در جامعه مسایلی پیش می‌آید که حکم صریح آن در قرآن یا حدیث وجود ندارد؛ ولی خطوط کلی، معیارها، اصول و قواعد آن در دست فقیه است که فقط او می‌تواند حکم آن مسأله را به دست آورد.

همان‌گونه که امام معصوم می‌تواند احکام و دستورات مقطعی صادر کند؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام برای اسب‌ها زکات و مالیات مقرر فرمود و چون برای آن مورد سؤال قرار گرفت، بر این اساس که پیامبر بر اسب‌ها زکات قرار نداد و شما قرار دادید؛ فرمود:

من بر مؤمنین ولایت دارم. امسال که وضع استثنایی پیش آمده است، می‌توانم از حق ولایت خود استفاده کنم و برای تهیه سرمایه بیش‌تر برای بیت‌المال، برای اسب‌ها نیز زکات تعیین نمایم.^۱

بر همین مبنا هرگاه جامعه تعادل سیاسی، اقتصادی یا امنیتی خود را از دست بدهد فقیه با ولایت و نظارتی که دارد، می‌تواند به طور گذرا برای برقراری تعادل فرمان‌های لازم را صادر کند؛ معاملاتی را تحریم کند؛ دستور بسیج دهد و مالیات‌هایی را به صورت موقت اضافه کند.

آیت الله میرزای شیرازی همین که دید اقتصاد کشور از راه تنباکو به دست انگلیس می‌افتد با فتوای خود مبنی بر تحریم تنباکو راه را بر آن دولت ستمگر بست. امام خمینی رحمته الله علیه نیز دستور ترک خدمت و فرار از پادگان‌های رژیم شاهنشاهی را به سربازان صادر نمود و شاه را از سلطنت خلع کرد.

۳۲. ویژگی‌های حکومت امام زمان چیست؟

حکومت امام عصر همانند حکومت انبیا و اولیای الهی است و با تأکید بیش‌تر و به میزان گسترده‌تری به اجرای احکام الهی می‌پردازد. تفاوت این حکومت با حکومت‌های الهی که در گذشته برپا شده‌اند، در جهانی بودن آن است؛ به این معنا که موجب اجرای کامل احکام الهی در سرتا سر گیتی می‌گردد. به هر روی ویژگی‌های حکومت مهدوی عبارتند از:

۱. احیای فرهنگ قرآن

اولین اقدام آن حضرت پس از استقرار حکومت، تشکیل کلاس‌های قرآن و با نتیجه ترویج فرهنگ قرآنی است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرَجْمَانَهُ»^۱

۲. وفور نعمت‌های آسمانی و زمینی

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بُرْكَاتِهَا؛ وقتی قائم قیام کند، بر اساس عدالت حکومت می‌کند و در زمان او ستم از بین می‌رود و راهها

امنیت می‌یابد و برکات زمین استخراج می‌گردد.»^۱

در زمان حکومت آن حضرت، آب‌ها و سرچشمه‌ها فراوان و محصولات

چند برابر می‌شوند:

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: «تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تَنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا

وَ تُظْهِرُ لَهُ الْكُنُوزُ.»^۲

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَرَ.»^۳

۳. اقامه نماز

از امام صادق عليه السلام در تفسیر آیه

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ﴾^۴ سؤال

کردند؛ حضرت در پاسخ فرمودند: «فَهَذِهِ لَأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ إِلَى

آخِرِ الْأَيَّامَةِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا

وَ يُظْهِرُ بِهِ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ

السُّفَهَاءَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يَرَى أَيْنَ الظُّلْمَ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ

عَنِ الْمُنْكَرِ.»^۵

امام عليه السلام فرمود: برنامه مهدی ما وقتی که می‌آید، این چهار موضوع است:

۱. إرشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴. حج، ۴۱.

۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

الف) اقامه نماز

در زیارت آل یاسین به این مطلب اشاره شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيُّ»^۱ وقتی که نماز تا این اندازه مهم است که در زیارت حضرت به آن اشاره می‌شود، در برنامه‌های مهدوی از اهتمام ویژه‌ای برخوردار است.

ب) پرداخت زکات

مهدی عجل الله فرجه مانع الزکات را می‌کشد.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «دَمَانِ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضَى فِيهِمَا أَحَدٌ بِحُكْمِ اللَّهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عليه السلام فَيَحْكُمُ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُرِيدُ عَلَى ذَلِكَ بَيْنَةَ الزَّانِي الْمُحْصِنِ يَرْجَمُهُ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ رَقَبَتَهُ»^۲

ج) تقویت توان علمی

تقویت توان علمی جامعه از جمله برنامه‌های حکومت مهدوی است. منتظران امام زمان عجل الله فرجه باید عاشق علم و دانش و در تمام رشته‌های علمی ممتاز باشند.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفْ النَّاسَ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا

۱/ احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲/ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱.

الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛^۱ مجموعه علوم بیست وهفت حرف است که تاکنون فقط دو حرف آن به وسیله انبیاء الهی شناخته شده است؛ در نتیجه هنگامی که قائم آل محمد قیام کند بیست و پنج باب دیگر از علوم (به برکت او) شناخته خواهد شد و در میان مردم گسترش خواهد یافت و جامعه از مجموعه بیست وهفت حرف علم آگاهی خواهد داشت.»

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: «كَأَنِّي بَدِينِكُمْ هَذَا لَا يَزَالُ مُتَخَضِّضًا يَفْحَصُ بَدْمِهِ^۲ ثُمَّ لَا يَرُدُّهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ وَ يَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضَى فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»^۳

گوئی می‌بینم که دین در میان خونی که برایش ریخته می‌شود، در حرکت است و دست و پا می‌زند و هیچ شخصی نمی‌تواند آن را برای شما باز گرداند، مگر مردی از ما اهل بیت که در هنگام امامت او هر سال دو بار بر شما بخشش خواهد شد و در هر ماه دو نوع رزقی بر شما خواهد رسید و در دوران ظهور اوست که حکمت به شما داده خواهد شد تا آنجا که زن در خانه خود نشسته و در اثر افزایش بینش و بصیرت دینی جامعه و گسترش معارف اسلامی بر اساس کتاب خدا و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. به نظر می‌آید امام عليه السلام دین را به سربازی که به جنگ پشت کرده و در اثر زخمهای فراوان در خون خود دست و پا می‌زند تشبیه فرموده است و در این مقام بیان ناکارآمد بودن غیر امام معصوم در مدیریت دینی و مذهبی جامعه است.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۳۸.

سنت رسول خدا قضاوت خواهد کرد» پیشرفت علم در زمان حضرت مهدی عجل الله فرجه به اندازه‌ای است که زنان در خانه‌ها بر اساس قرآن و حدیث قضاوت می‌کنند.

(د) مقاومت و تلاش

از امام باقر علیه السلام سؤال کردند که آیا با ظهور مهدی کارها خود به خود درست می‌شود؟ فرمود: «اگر چنین بود پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌شکافت و دندان‌ش نمی‌شکست» «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نُمْسِحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَالْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ»^۱

از این حدیث چنین برمی‌آید که استقرار حاکمیت مهدوی عجل الله فرجه حتی با ظهور آن حضرت به تلاش و کوشش نیاز دارد.

۳۳. ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام چیست؟

یاران امام زمان ویژگی‌های خاصی دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

شناخت حضرت مهدی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْإِمَامَةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ؛ بنده خدا مؤمن نخواهد بود، مگر این‌که خداوند متعال، رسول او تمام اهل بیت او به ویژه امام زمانش را بشناسد.»^۲

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجْهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيهِ غَيْرُ مَقْبُولٍ؛ هر آن‌که نفس خود را برای عبادت خداوند متعال به تلاش و کوشش وا دارد، در حالی که امامی از سوی خداوند متعال برای خویش برنگزیده باشد؛ عمل او به درگاه الهی پذیرفته نمی‌شود.»^۳

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. همان، ص ۱۸۳.

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: «ذِرْوَةٌ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ؛ بِالْأَتْرِينَ وَ كَوَارَا تَرِينَ مرحله برای وجود انسان که بازکننده درهای امور است، رضایت خداوند متعال به اطاعت از امام، سپس از شناخت اوست.»^۱

داشتن اخلاق نیکو

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَّظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ.»^۲
﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾^۳
«وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ.»^۴

اطاعت امام عليه السلام

قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: «ذِرْوَةٌ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ.»^۵

۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

۳. نور (۲۴)، ۵۵.

۴. اعراف (۷)، ۱۷۰.

۵. کافی، ج ۱، ص ۱۸۵..

۳۴. چه عواملی موجب ظهور امام زمان می‌شود؟

ظهور امام زمان به زمینه و شرایط مناسب نیاز دارد. چنانچه این زمینه فراهم شود، امام زمان نیز ظهور خواهد کرد. بررسی تاریخ پیامبران نشان می‌دهد که مردم در تحقق زمینه ظهور و اصل آن نقش قابل توجهی دارند. پیامبران زمانی موفق می‌شدند که اصحاب آنان هم فداکاری می‌کردند. حضرت مهدی وقتی ظهور می‌کند، دارای بیان و معجزه‌های ویژه‌ای است، وقتی مردم این معجزه‌ها را می‌بینند، تمام افراد قدرتمند و لایق، خود، به همراه همه امکانات خویش با امام اعلام همبستگی می‌کنند. برای بعضی این سؤال ایجاد می‌شود که امام زمان در برابر بمب‌های اتمی و خوشه‌ای و سلاح‌هایی از این دست چه می‌کند؟ فرض کنید که الآن ما تانک و توپ بسیار فراوانی داریم؛ این تانک‌ها و توپ‌ها در مقابل نیروهای دیگران و دنیا چه می‌تواند بکند؟ وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، افراد زیادی صدای او را می‌شنوند، بیان و هدفش را می‌بینند، با ایشان اعلام همبستگی می‌کنند و تمام قدرت‌هایشان را در اختیار امام می‌گذارند. از سوی دیگر، در روایات آمده است: «نَصْرُهُ بِالرُّعْبِ؛ در دل دشمنان ترس قرار می‌دهد.» در

قرآن کریم آمده است: ﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ﴾؛ دشمنان به وحشت می‌افتند نمونه بسیار کوچک این مسأله در انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی ایجاد شد. چه کسی باور می‌کند آمریکا از ایران بترسد؟ چه کسی مسأله امدادهای غیبی را باور می‌کند؟ ما در جبهه جنگ شاهد امدادهای غیبی فراوانی بودیم. کسانی را دیدیم که مهندس تعمیر تانک‌ها بودند؛ از ارتش عراق فرار کردند؛ به سوسنگرد آمدند و تانک‌های ایران را تعمیر کردند. این همبستگی نوعی عمل خارق‌العاده است. من خودم افرادی را دیدم که نیروی دشمن بود، ولی الآن در اختیار ملت ماست. همین ارتش در اوایل انقلاب مگر به جمهوری اسلامی اعلام همبستگی نکرد؟ خودش را با تانک و توپ و تمام تخصصش در اختیار انقلاب گذاشت. شبیه کاری را که ارتش ما نسبت به رهبر انقلاب کرد، ارتش دنیا و بسیاری از قدرتمندان و توانمندان آن نسبت به حضرت مهدی علیه السلام انجام خواهند داد، به طوری که خود را با تمام امکانات در اختیار حضرت مهدی قرار می‌دهند و ما به این مسأله امید داریم و باید به امام توجه ویژه داشته باشیم؛ چنانچه امام نیز به ما توجه دارد.

۳۵. منظور از ملاقات امام در حج چیست؟

عرضه شدن بر امام، خود از جمله برکات و درس‌های مکه است؛ چنانچه حدیث آمده است: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ»؛^۱ یعنی حج کسی پذیرفته می‌شود که آن‌جا با رهبر آسمانی در ارتباط باشد. اگر نخ نباشد، میلیون‌ها دانه، تسبیح نمی‌شوند. اگر سد نباشد میلیاردها قطره آب، برق تولید نمی‌کند. با وجود این همه مسلمان کمبود چیست؟ اصولاً در عربستان سعودی کمبود چیست؟ در آنجا که این همه نماز جماعت و حج وجود دارد؛ ولی کمبود بزرگ آن، نبود یک رهبر آسمانی است. اگر کشور سعودی به نص قرآن عمل کند، مشکلات مسلمانان برطرف خواهد شد.

اگر مسلمان‌ها به قرآن عمل کنند: ﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ﴾^۲؛ هیچ اسراف کاری نباید رهبر بشود. آیا حاکمان کشورهای اسلامی اسرافکار نیستند: ﴿وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾^۳. قرآن می‌گوید فرد فاسد نباید رهبر شود: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ﴾^۴ کسانی که سابقه خرابی

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۲. شعراء (۲۶)، ۱۵۱.

۳. اعراف (۷)، ۱۴۲.

۴. مائده (۵)، ۷۷.

دارند، نباید رهبر شوند؛ افراد جاهل نباید سردمدار شوند. با نگاهی گذرا به سردمداران کشورهای اسلامی آنچه ملاحظه می‌کنیم، خلاف نکات قرآنی است که در مورد بایسته‌های رهبری و حاکم جامعه عنوان شد.

﴿فَاسْتَوِ عَلَىٰ سَوَاقِهِ﴾^۱ قرآن می‌گوید: جامعه اسلامی باید روی پای خودش بایستد: ﴿وَلَا تُطِيعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا﴾^۲ گنهکار و کافر نباید رهبر شود. اصل اول رشد ما، مکتب بود و اصل دوم رهبری بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرَ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بَوْلَاتِهِمْ وَ يَعْضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ»^۳. خدا فرمان داده است که به مکه بیایید و دور این سنگ‌ها بچرخید: «فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بَوْلَاتِهِمْ وَ يَعْضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ». بنابر سخن خداوند یکی از اسرار، فلسفه‌ها و آثار رفتن به مکه این است که دور مکه بچرخید تا در آن‌جا امام را ببینیم و با او ملاقات کنیم. مکه وعده‌گاه امت با امام است. آن‌جا حسینیه جماران کشورهای اسلامی و وعده با امام است: «وَ يَعْضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ» در آن‌جا همه باید بگویند: «آقا! همه ما با تو هستیم»؛ با امام بیعت کنند و قدرت‌ها و امکاناتشان را بسنجند و در اختیار امام قرار بگیرند. آیا رهبر مقتدری نیست که این نیروها را بسیج کند و کفر جهانی را بکوبد؟! البته که هست! انشاءالله حضرت مهدی عجل الله فرجه به همین کعبه تکیه می‌دهد؛ نیروهای لایق را دور خود جمع و کفر را سرنگون می‌کند.

۱. فتح (۴۸)، ۲۹.

۲. دهر (۷۶)، ۲۴.

۳. کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۳۶. امام زمان چگونه ناظر اعمال ماست؟

بر اساس روایاتی که در اصول کافی آمده است کارهای ما به حضرت مهدی عرضه می‌شود. بنابر آیات قرآن عمل ما را خدا و رسول خدا می‌داند؛ مومنین هم می‌دانند. در چندین روایات آمده است که کارهای شما به پیامبر خدا و به امام زمان علیه السلام عرضه می‌شود. اگر اشتباهی بکنیم و بدانیم که از اشتباه ما فیلم برداری کردند؛ اگر حرف چرندو پرندی بزنیم و بدانیم این حرف ضبط شده و می‌خواهند حرف ما را خدمت رهبر انقلاب ببرند و پخش کنند؛ اصلاً دیگر خوابمان نمی‌برد و فکر می‌کنیم باید از این مملکت فرار کنیم. اگر بدانیم یکی از حرف‌های ما لو رفته است، یا مثلاً کاری کردیم که در حال ارتکاب آن کار، عکس ما را گرفته‌اند، از ترس رنگ در صورتمان نخواهد ماند. در اصول کافی آمده است که تمام کارهای مسلمان، چه خوب و چه بد، خدمت حضرت مهدی می‌رسد؛ پس حالا که حضرت مهدی کارهای شما را می‌داند حداقل خجالت بکشید و سعی کنید خلافتی انجام ندهید. حداقل روزی، یا چند روز یک‌بار به ایشان توجهی داشته باشید: «السَّلَامَ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» او هم خیلی ناراحت است. اگر در فیلمی ببینید که چند نفر اسرائیلی بر سر یک فلسطینی آزادی خواه مسلمان ریخته و با سنگ استخوان بازوی او را می‌شکنند، هرحالی که پیدا کنید،

میلیون برابر درباره حضرت مهدی علیه السلام مصداق دارد؛ چرا که غیرت او خدایی است.

یک روز به علی بن ابی طالب گفتند: «لشکر کفر به خانه یک نفر غیر مسلمان ریخته و طلاهای زن خانه را کنده و برده است.» حضرت فرمود: «اگر مسلمان از غصه بمیرد، جا دارد.» در حالی که آن زن مسلمان نبوده اما چون در کشور اسلامی زندگی می‌کند، کسی حق ندارد به خانه او بریزد و با او چنین رفتاری داشته باشد بنابراین جای آن را دارد که مسلمان غیرتمند از شنیدن آن از غصه بمیرد.

۳۷. شرایط ظهور امام زمان چیست؟

برای ظهور امام زمان علیه السلام سه چیز لازم است. در قرآن بیش از صد آیه داریم درباره این که اسلام دنیا را فرا می‌گیرد: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۱ که کوچک‌ترین آن‌ها این آیه است که: یعنی اسلام دنیا را فرا می‌گیرد. برای این امر به سه چیز نیاز داریم: ۱. وجود یک رهبر جهانی که حضرت مهدی علیه السلام است؛ ۲. قانون جهانی که قانون قرآن است؛ ۳. آمادگی جهانی که فعلاً وجود ندارد. جامعه‌ای که منتظر مصلح است باید انسان‌های صالحی داشته باشد. نمی‌شود انسان منتظر مصلح باشد؛ ولی خود صالح نباشد نمی‌توان صبر کرد تا امام زمان، خودش، بیاید و امور را اصلاح کند مثلاً ما منتظر خورشید هستیم؛ اما شب هم خودمان چراغ روشن می‌کنیم. هم منتظر امام باشیم و هم خودمان در زمینه انتظار و اصلاح امور تلاش کنیم. بعضی فکر می‌کنند که اگر کسی قبل از قیام امام زمان، حرکت و یا نهضتی کند، اشتباه است. این روایات در مورد کسی است که قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام قیام کند و مردم را به سوی خودش دعوت کند؛ در این صورت قیامش باطل و خودش نیز طاغوت است؛ اما اگر کسی قیام کند تا

زمینه برای حضرت مهدی فراهم شود، این قیام باطل نیست. ما در قرآن داریم که با ظالم مبارزه کن؛ اگر این‌طور باشد پس احادیث مربوط به قیام علیه ظلم باطل می‌شود؟ نمی‌توان پشت این تفکر مخفی شد که امام خودش می‌آید و همهٔ امور را درست می‌کند؛ پس این همه آیات دربارهٔ دفاع از مظلوم برای چیست؟ دفاع از مظلوم، در دهان ظلم کوبیدن، نهی از منکر، اجرای حدود اسلامی، دفاع؛ مگر می‌توان قرآن را تعطیل کرد، تا خود آقا بیاید. اگر حدیثی دیدید که می‌گوید: تکان نخورید؛ آقا می‌آید و همه چیز را درست می‌کند، بدانید که این حدیث را باید به دیوار کوبید؛ چون این حدیث با آیات قرآن یکسان نیست. قرآن تأکید می‌کند: «با ظالم بجنگ و از مظلوم حمایت کن.» بدون شک برخی افراد و سردمداران طاغوتی می‌خواستند مردم را برده خودشان کنند بنابراین به عده‌ای وابسته به دربار طاغوت پول می‌دادند تا این حدیث‌های جعلی به دروغ را بسازند. حدیث داریم که می‌گوید: از امیر اطاعت کن، گرچه معصیت کرده باشد! نمی‌توانم بگویم منبع این احادیث در چه کتابی است. این حدیث‌ها را باید آتش زد. بنابر احادیث مستند و معتبر اسلامی باید حدیثی را که ضد قرآن است به دیوار کوبید و مغز کسی را هم که آن حدیث را گفته، می‌توان به دیوار زد. با کدام عقل سلیم باید باور کرد که قبل از قیام مهدی نباید قیام کنیم و بگذاریم امیر و حکومت طاغوت هر کاری می‌خواهد، انجام دهد! قرآن می‌گوید: ﴿لَا

تُطِيعُ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا؛^۱ از کسی که گناه می‌کند، اطاعت نکن! وقتی قرآن می‌گوید: از آدم فاسد اطاعت نکن و در حدیث جعلی آمده است که اطاعت بکن؛ بنابراین باید این حدیث‌ها را به دیوار کوبید و از بین برد. مؤید این مطلب قیام زید است. زید، پسر امام سجاد علیه السلام قیام کرد و امامان ما نیز از او حمایت کردند. گاهی ائمه خود، می‌فرمودند که برو با طاغوت بجنگ، خرج تو را می‌دهم؛ زیرا صلاح نیست که من بیایم. من وقتی می‌آیم باید حکومت حسابی تشکیل بدهم که آن شرایط آماده نیست؛ اما برای این که یک سیلی بزنیم، مثلاً تو جلو برو. بنابراین قیام قبل از ظهور می‌تواند خاستگاهی برای ظهور باشد و زمینه ظهور را فراهم کند.

۳۸. وقتی امام زمان بیاید، چه اتفاقی روی خواهد داد؟

ظهور امام زمان اتفاقات مختلفی را به دنبال خواهد داشت که می‌توان از جمله آنها به موارد زیر اشاره کرد:

الف) با آمدن امام زمان مردم رشد عقلی پیدا می‌کنند؛

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَي رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ»؛ امام که بیاید دستی روی سر مردم بکشد، مردم رشد عقلی پیدا می‌کنند. «به قدری مردم رشد می‌کنند که طبق آنچه در روایات آمده است: «تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»^۱ یعنی زن‌ها در خانه قدرت قضاوت پیدا می‌کنند.

به نظر می‌آید در سایه این رشد عقلی، قدرت جسمی هم می‌یابند. ایمان طرفداران امام مثل آهن سخت و محکم می‌شود. یک نفر از آنها با چهل نفر طرف می‌شود. آدم ضعیف و سست اراده نمی‌تواند یار امام زمان باشد، ممکن است پیر باشد؛ ولی دارای اراده قوی خواهد بود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۵۲.

ب) امام زمان عصاره انبیا است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امام زمان به مکه تشریف می‌آورد و به کعبه تکیه می‌دهد و می‌فرماید: هر کس می‌خواهد حضرت آدم را ببیند، مرا ببیند و هر کس هر یک از اولیا را می‌خواهد ببیند، مرا ببیند که من عصاره انبیا هستم.»

ج) امام زمان که ظهور کند، مردم با هم مهربان می‌شوند: «تمشي المرأة بين العراق و الشام...»؛ یک زن بین عراق و شام مسافرتی طولانی می‌کند در حالی که هیچ مزاحمتی برای او ایجاد نخواهد شد.»

۳۹. رضایت امام زمان از چه راهی به دست می‌آید؟

رضایت امام زمان از منتظران، موجب خشنودی خداوند متعال از ایشان می‌گردد. اهتمام به جلب رضایت امام زمان از عملکرد رهپویان ولایت، همواره موجب توجه ایشان قرار گرفته است آن‌چنان که حتی در اوج جهاد در راه خدا و جانفشانی برای امام از آن غافل نبوده‌اند؛ برای مثال بعضی از یاران امام حسین علیه السلام وقتی روز عاشورا به زمین می‌افتادند و امام سر آن‌ها را به دامن خود می‌گرفت، آنان خطاب به حضرت می‌گفتند: «أَرْضَيْتَ عَنِّي!» آیا از من راضی شدی؟» پس به نظر می‌رسد که سؤال بسیار مهمی است. حال باید این نکته را پرسید:

چه کارهایی موجب خشنودی و رضایت امام زمان علیه السلام است؟ بر اساس قرآن کریم و روایات، چند عامل رضایت امام زمان را به دنبال دارد:

اول: ابتدا باید خدا و پیامبر او را از خودمان راضی کنیم. قرآن می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ﴾^۱؛ خدا و رسولش ذی‌حقت‌تر و سزاوارتر هستند که ما آن‌ها را راضی کنیم.» و اگر آن‌ها از ما راضی شدند، امام زمان

۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۹۷.

۲. توبه (۹)، ۶۲.

هم راضی می‌شود. قرآن می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾؛ خدا از آن‌ها راضی است و آن‌ها از خدا راضی هستند». بررسی قرآن کریم نشان می‌دهد رضایت مندی انسان از خداوند متعال، او را در مسیر خشوع و خضوع در برابر پروردگار عالم قرار می‌دهد. قرآن پس از «رضی الله»، می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾^۲ بر این اساس، تقوا و ترس از خدا موجب رضایت او می‌شود؛ در نتیجه تقوا عاملی مهم برای جلب رضایت خداوند متعال است. به همین مناسبت در حدیث آمده است: «هرکس منتظر امام زمان علیه السلام است، باید تقوا و ورع پیشه کند».

بنابراین افراد مجرم و گناه‌کار نمی‌توانند منتظر امام زمان علیه السلام باشند. کسی که منتظر مصلح است، باید خود نیز فرد صالحی باشد.

دوم: همان‌طور که امام زمان علیه السلام سفارش فرموده است در زمان غیبت او از مجتهد باتقوا و عادل اطاعت کنیم.

سوم: برای رضایت آن حضرت علیه السلام روزی حلال به دست آوریم بر شخص منتظر لازم و واجب است که مخارج زندگی‌اش حلال و پاک باشد. برای داشتن روزی حلال، پرداخت حقوق واجب شرعی مانند خمس لازم است؛ چرا که این امر موجب پشتیبانی از ترویج معارف اسلامی به ویژه مهدویت و معرفت به امام عصر علیه السلام در دنیای اسلام خواهد شد و می‌تواند جامعه اسلامی را از محرومیت فرهنگی نجات دهد.

۱. مائده (۵)، ۱۱۹.

۲. بینه (۹۸)، ۸.

افزایش معرفت نسبت به امام زمان وظیفه‌ای است که غفلت از آن، به سطحی‌نگری نسبت به مهدویت می‌انجامد و به نوعی این آموزه را به سوی عوام‌گرایی می‌برد و از کارکرد واقعی آن دور می‌کند.

چهارم: توجه به امام زمان علیه السلام از راه ادعیه و زیارات، به ویژه دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، دعای معرفت و دعای غریق می‌باشد که احادیث هم به انس و الفت با این دعاها در عصر غیبت سفارش شده است.

خواندن دعای سلامتی امام زمان علیه السلام «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا» که از جمله دعاهاى وارده برای ظهور است و بسیار مطلوب می‌باشد.

پنجم: رعایت تقوای الهی نیز رضایت امام زمان، را به دنبال دارد چرا که عدم رعایت تقوا به منزله نداشتن عمل است. خداوند در این باره می‌فرماید: «قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ هر آینه خداوند از متقین عمل خوب را می‌پذیرد.»؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت فردی که تقوا ندارد، توانایی جلب رضایت امام زمان را داشته باشد.

برای ارزیابی تقوا می‌توان آثار آن را در عبادات و مثلاً در روزه‌هایی که گرفته شده، بررسی نمود. اگر به احترام ماه رمضان کم‌تر ناسزا گفتیم کم‌تر غیبت کردیم، راحت‌تر از گناه چشم پوشیدیم، بدون شک تقوای موجود در ماه رمضان بر ما اثر گذاشته است. چنین عملی با تقوا معتبر می‌گردد و در

قیامت از سوی خداوند خریداری می‌شود.

همان‌طور که در دنیا کالای استاندارد معتبر و قابل مصرف است؛ در

قیامت هم عملی که از روی تقوا انجام شده باشد، پذیرفته می‌گردد.

از مصداق‌های مهم رعایت پرهیزگاری، پرهیز از حق الناس است؛

بنابراین بر منتظران راستین ظهور لازم است از موانع رضایت امام زمان،

مانند حق الناس پرهیز نموده، از آن دوری نمایند.

۴۰. امام زمان در بقای هستی چه نقشی دارد؟

در پاسخ به این سؤال در روایات آمده است: «لَوْ لَا الْحُجَّةَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛ اگر حجت خدا در زمین نباشد، زمین اهلش را در کام خود فرو می‌برد.» خداوند آیاتی از قرآن کریم می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ»؛ «سَخَّرَ لَكُمْ»؛ «خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۱. این در حالی است که بر اساس روایات و آیات گناه و ظلم، عامل کیفرهای الهی در دنیا است؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ»^۲؛ بر این اساس چنانچه خداوند متعال به خاطر ظلم و ستم بندگان آنها را مؤاخذه نماید، از شدت عذاب الهی هیچ جنبنده‌ای روی زمین باقی نخواهد ماند و نعمت‌هایی را که به خاطر انسان آفریده شده اند از او باز پس خواهد گرفت. مطلب قابل توجه در این میان، زندگی سرشار از نعمت انسان‌ها با وجود گناه فراوان آنهاست که از تأمل در آن در می‌یابیم که ایمن بودن انسان از عذاب الهی به سبب عاملی است که در قرآن کریم و روایات به عنوان حجت الهی از آن یاد شده است در قرآن کریم نیز در این باره آمده

۱. بقره (۲)، ۲۹.

۲. نحل (۱۶)، ۶۱.

است:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ﴾ خدا مردم را عذاب نمی‌کند؛ زیرا ﴿وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾؛ چون تو در بین مردم هستی. جهان برای بشر آفریده شده است: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾؛^۱ «جمیعاً»؛ یعنی هر آنچه در زمین است، برای بشر خلق شده و بشر هم برای عبادت آفریده شده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛^۲ هستی برای ما و ما هم برای بندگی خدا آفریده شده‌ایم. بنابر قرآن اگر خدا بخواهد به خاطر گناهانمان ما را مؤاخذه کند، به محاسبه بکشاند و مجازاتمان کند؛ همه نابود خواهیم شد؛ این در حالی است که با وجود گناه‌کار بودنمان خدا همه را نابود نمی‌کند و این تنها به خاطر وجود پیامبر در بین مردم است: ﴿وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾^۳. ممکن است کسی بگوید: «وَأَنْتَ» برای شخص پیامبر است و شامل سایر اهل بیت نمی‌شود در پاسخ باید گفت: «بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ» یا «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ»^۴ یعنی شخص پیغمبر به عنوان ولی خدا است. در اینجا شخص مهم نیست بلکه مقام نبوت و مقام رسالت است که باعث رفع عذاب می‌شود و این مقام ولی‌اللهی به اهل بیت او هم رسیده

۱. انفال (۸)، ۳۳.

۲. بقره (۲)، ۲۹.

۳. ذاریات (۵۱)، ۵۶.

۴. انفال (۸)، ۳۳.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.

است. بر اساس زیارت جامعه کبیره صفاتی را که ما برای پیغمبر می‌گوییم، همه را برای امیرالمؤمنین هم قائل هستیم؛ همه را برای حضرت مهدی هم قائل هستیم، در این میان فقط یک تفاوت وجود دارد و آن اینکه فقط به پیغمبر وحی می‌شد. بنابر گفته شیعه و سنی، پیامبر ﷺ به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «تو همه مقامات مرا داری؛ مگر این که بعد از من پیامبری نخواهد بود: **أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي**»^۱

خداوند در آیه‌ای خطاب به پیامبر فرمود: **﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ﴾**^۲ مشرکان می‌خواهند تو را از منطقه تبعید کنند! اما اگر تو در مکه نباشی: **﴿إِذَا لَا يَلْبُثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا﴾**^۳ مکه هم زیر و رو می‌شود.

در طول تاریخ دو مرتبه به کعبه حمله شد یکبار خدا غضب کرد و بار دیگر نه. ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا خدا یکبار غضب کرد و بار دیگری غضب نکرد! در پاسخ باید گفت: ابرهه پادشاهی بود که کعبه‌ای ساخت و به مردم گفت: «به جای مکه، دور کعبه ای که من در کشور ساختم، طواف کنید!»؛ اما به کعبه او جسارت و بی‌اعتنایی گردید؛ پس لشکر فیل سواری تشکیل داد و تصمیم گرفت کعبه را خراب کند؛ در قرآن چنین آمده است: **﴿الْمَرَّتْ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾**^۴؛ آیا نمی‌بینی

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۵.

۲. اسراء، ۷۶.

۳. همان.

۴. فیل (۱۰۵)، ۱.

که خدا با اصحاب فیل چه کرد؟! «فیل سوار هایی که آمدند کعبه را خراب کنند: ﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ﴾^۱ «حجاره» به سنگ کوچک گفته می‌شود از جنس سجیل که به تعبیر قرآن وقتی به سر آن‌ها می‌خورد افراد مانند کاه خورد شده می‌شدند: ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ﴾^۲، این سنگ ریزه از عدس بزرگتر بود از نخود کوچک تر، به مخ هر کس می‌خورد، پودر می‌شد؛ بنابراین این درباره آثار و فواید امام می‌توان گفت که وجود او مانند کوه‌ها برای زمین است. قرآن می‌گوید: اگر کوه‌ها نبود زمین دائماً در حال لرزیدن بود. در قرآن کریم آمده است: ﴿تَمِيدَ بِكُمْ﴾^۳. گداختگی درون زمین طوری است که پوست زمین همیشه در حال لرزیدن است. کوه‌ها این پوسته را نگه داشته‌اند؛ مانند پدری پیر که ممکن است با بچه‌اش فوتبال نکند؛ ولی اگر سایه پدر نباشد، آسیب‌های اجتماعی زیادی او را تهدید خواهد کرد. در ایام جنگ گاهی پیرمردی از علما به جبهه می‌رفت، مثل آیت الله مدنی، اشرفی، صدوقی. بعضی از آنها مانند آیت الله دستغیب و آیت الله مشکینی حتی با لباس رزم بین رزمنده‌ها می‌رفتند و هرچند نمی‌توانستند همپای رزمندگان بسیجی فعالیت کنند؛ اما همین حضور آنها در جبهه موجب تجدید روحیه هزاران نفر بود.

به هر روی، تا زمانی که حضرت مهدی در میان امت است، تعجیل در

۱. همان، ۴.

۲. همان، ۵.

۳. نحل (۱۶)، ۱۵.

عذاب مهدی باوران صورت نمی‌گیرد و این از برکت وجودی امام عصر علیه السلام است. از این رو برای سلامتی و ظهور او در دعا تأکید می‌شود و که خداوند همواره و برای همیشه حضرت مهدی علیه السلام را مورد عنایت خاص خود قرار دهد، او را در ولایت الهی خود از همه دشمنان محافظت نماید، راهنمایی‌اش کرده و مورد یاری و نصرت خود قرار دهد تا اینکه در زمین مستقر گردد و ظهورش در تمام عالم جلوه گر شود و حکومت الهی را به او بسپارد.

در روایت بر خواندن دعای سلامتی امام زمان علیه السلام به ویژه در شب قدر توصیه و سفارش شده است.

زیارت آل یاسین نیز به عنوان زیارت خاص حضرت مهدی علیه السلام مورد توجه آن امام قرار گرفته است. در فراز هایی از این زیارت چنین آمده است:

«سَلَامٌ عَلَيَّ أَلِ يَسِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ.»

امام مهدی نشان‌گر راه‌های ارتباطی با خداوند متعال است؛ به بیانی دیگر مهدویت دروازه همه معارف است و مسیری شایسته برای ورود به ساحت قدس الهی می‌باشد. توجه به او موجب تحقق ارتباطی محکم با خداوند متعال می‌شود و در برقراری ارتباط با خدا به جامعه کمک می‌کند؛ چرا که او حجت خداوند متعال در زمین و راهنمای مردم در رسیدن به اهداف الهی است. به هر روی؛ زیارت آل یاسین از نظر محتوایی بسیار غنی و ارزشمند است. برای همین مقام معظم رهبری به حاجی‌هایی که به مکه مکرمه مشرف می‌شوند، سفارش کرده‌اند، در شب عید قربان و در بیابان

عرفات، وقتی لباس احرام بر تن دارید، در بیابان و زیر آسمان این زیارت را بخوانید. به ویژه که بنابر روایات حضرت مهدی علیه السلام هر سال در ایام حج، در مکه هستند. ایشان فرمودند: در آن جا چون همسایه حضرت مهدی علیه السلام هستید، به آن حضرت سلام کنید و زیارت «آل یاسین» را بخوانید.

با توجه به اهتمام ویژه اسلام به مسأله امامت، مسلمان راستین هرگز در عمل به آموزه‌های دینی از امام به حق و حجت خداوند متعال جدا نمی‌شود و حکومتی را می‌پذیرد که فقط خدا آن را تعیین کرده باشد. به همین دلیل، کسی که مدیریت و رهبری جامعه دینی را از طریق رهبر ستمگر بپذیرد، دین ندارد و چنین تفکری مثل آن است که مردم بخواهند از راه معاویه یا حکومت بنی امیه به آئین اسلام عمل کنند. طبیعی است که این امکان ندارد و نتیجه‌ای جز انحراف از دین و باطل شدن اعمال ندارد؛ چنان که در روایت آمده است: «اگر همه مردم نماز شب بخوانند و در نماز از خوف خدا گریه کنند؛ ولی رئیس آن‌ها طاغوت باشد، خداوند می‌فرماید: والله قسم این مردم را به جهنم می‌برم؛ گرچه آنان عملکرد خوبی هم داشته باشند؛ اما مردمی که رهبر و امامشان عادل است، آن‌ها را می‌بخشم؛ گرچه تک‌تک مردم ظالم باشند (گنهکار باشند)، چون نظام آن‌ها نظامی الهی است»؛ بنابراین مدیریت و رهبری فقط باید از راه خدا، ولی و حجت او باشد؛ یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا شاد بودند و می‌خندیدند؛ چرا که همه آن‌ها بهشتی بودند. یکی از آن‌ها خطاب به دوستانش گفت: شوخی نکنید؛ امشب، شب عاشورا است! گفتید: چرا شوخی نکنیم، در حالی که حسین علیه السلام

رهبر ما است! اگر رهبر حسین علیه السلام باشد، همه چیز ارزش پیدا می‌کند، حتی اگر شوخی و خنده باشد؛ ولی اگر رهبر یزید باشد، نماز شب هم در آن جا ارزش ندارد.

در روایت دیگری آمده است: «کسی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: «آقا! فلانی آدم خوبی نیست، او را رها کنید!» فرمود: «پس، چه کسی خوب است؟!» در جواب گفت: «من یا فلانی.» امام علیه السلام فرمود: «او چه اشکالی دارد؟» گفت: با آدم‌های بد رفیق شده است. و همنشینان خوبی ندارد! امام علیه السلام برای این که به او بفهماند که هر چند بعضی از کارهای آن شخص غلط است؛ اما دارای فضیلت‌هایی نیز هست نامه‌ای به او فرستاد و از او برای کمک به مستمندان درخواست پول کرد. آن شخص نیز پس از دریافت نامه از همان آدم‌های به اصطلاح بد، کمک قابل توجهی جمع آوری کرد و برای امام علیه السلام فرستاد. امام صادق علیه السلام پس از این اتفاق همین نامه را به همان شخص به اصطلاح خوب فرستاد و از او نیز برای مستمندان درخواست کمک کرد؛ ولی او و دوستانش به بهانه‌ای از یاری امام صادق علیه السلام خودداری نمودند. پس از آن امام علیه السلام فرمود: برای همین می‌گویم او شخص خوبی است.^۱ دقت و تأمل در این حدیث نشان می‌دهد امام علیه السلام از باطن افراد جامعه به خوبی آگاهی دارد ولی از روی رحمت واسعه الهی و عنایت ویژه‌ای که به دوستداران اهل بیت علیهم السلام دارد همواره با ایشان از روی محبت و

۱. به جهت روان بودن مطلب از ترجمه محتوایی بهره‌گیری شده است.

دوستی برخوردار می‌نماید؛ به ویژه امام عصر علیه السلام که به یمن وجود او نظام هستی برپاست و خداوند متعال به برکت او شیعیان را در مشکلات یاری می‌کند. در این باره در توقیعی از امام عصر علیه السلام آمده است: «اگر دعای من برای شما نبود، دشمنان شما را از بین می‌بردند.»

دعای من شما را حفظ می‌کند. اعتقاد به این که کارهای ما را امام زمان علیه السلام می‌بیند و نیز باور به این مطلب که پیامبر هفته‌ای یک یا، دو بار کارهای ما را ملاحظه می‌کند، ایجاب می‌کند که رفتار ما به بهترین شکل تغییر یابد، اگر ما بدانیم که اعمال ما خدمت امام زمان علیه السلام عرضه می‌شود لازم است به گونه‌ای رفتار نمائیم که با سیره ایشان هماهنگ باشد و موجبات خشنودی آن حضرت را فراهم آورد که اگر حجت خدا به ما نظر کند مشکلات ما حل خواهد شد به جهت اشاره به این مطلب در زیارت جامعه نیز آمده است: «بِکُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ» «بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ»؛ «بِکُمْ یَخْتِمُ» یعنی آغاز، پایان و کلید هستی در اختیار امام زمان علیه السلام است و کلید حل مشکلات در دست اوست.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۳. _____ کمال الدین و تمام النعمة، طلیعه نور، ۱۳۸۳ ش.
۴. _____ مَنْ لَا يَخْضِرُ الْعَقِيَّةَ، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۷ ش.
۵. ابن شعبه، حسین بن علی، تحف العقول، دارالحديث، ۱۳۸۴ ش.
۶. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، مناقب، جامعه مدرسین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۷. الهی قمشہای، مهدی، مفاتیح الجنان، ۱۳۸۷ ش.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، جامعه مدرسین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۹. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج علی اهل اللجاج، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. طبری، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، بی جا، بی تا.
۱۱. غزالی، ابو حامد، مشکاة الانوار، شیخی، ۱۳۹۱ ش.
۱۲. فیض الاسلام، علینقی، نهج البلاغه، فقیه، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، درالثقلین، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. مفید، محمد بن محمد، ارشاد، سرور، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. نعمانی، ابوزینب، الغیبة، مدین، ۱۳۸۴ ش.